

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری

gholam.akbari@gmail.com

ادیتور: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۰۴

۱۵ آذر ۱۴۰۰

۶ دسامبر ۲۰۲۱



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگر "از کار افتاده" از زندگی نیافتاده

یاشار سهندی

"حوادث کار" در محیط کارگاه این محیط را بیش از هر چیز به میدان جنگ تبدیل کرده است. آنچنان که منصور حکمت به درستی یاد میکند جنگی اعلام نشده. جنگی که برای یک طرف سود و افتخار و احترام بهمراه دارد و برای طرف دیگر، مرگ و معلولیت و احساس بار اضافه بودن و در یک گوشه ای فراموش شدن و هزار چور منت از سوی حکومت سرمایه داران برای هیچ.

توی کارگر که در جبهه سود آوری سرمایه معلول شدی خیلی احترامت را داشته باشند "از کار افتاده" محسوب ات می کنند و همین اصطلاح یعنی دیگر به هیچ دردی نمی خوری. در دنیای سرمایه داری توی کارگر

صفحه ۶



حزب و جنبش کارگری

سخنرانی شهلا دانشفر
درکنگره ۱۲ حزب کمونیست
کارگری
من امروز میخواهم به

عنوان یک فعال کارگری و در
عین حال بعنوان کسی که در
خط تماس حزب با جامعه
قرار دارد صحبت کنم. بحث
من در مورد حزب و جنبش
کارگری است. از همین رو به
سیاستها و صفحه ۴

دیگر مطالب این شماره

چند اطلاعیه در صفحات ۳۲
الی ۳۶

حزب کمونیست کارگری ایران
به کمک مالی شما نیازمند
است! صفحه ۳۷

به حزب

کمونیست

کارگری ایران

بپیوندید!

به مردم جهان صفحه ۸

به مردم ایران صفحه ۹

به کارگران صفحه ۱۰

به زنان صفحه ۱۱

به خانواده های دادخواه صفحه ۱۲

به کانون نویسندگان ایران صفحه ۱۳

به کارگران مجتمع مس سونگون در ورزقان صفحه ۱۴

به زنان و مردم افغانستان صفحه ۱۵

پیامهای کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران

جنبش ضد حکومتی علیه نابینا کردن معارضین در اصفهان

شهلا دانشفر
جنایات حکومت اسلامی
بی حد و مرز است. همین

روزهای گذشته حکومت
اسلامی اعتراضات گسترده
کشاورزان و مردم معترض
اصفهان در دفاع از زندگی و
معیشت شان را با حمله و
تعرض و ضرب و شتم پاسخ
داد. در مقابله با این توحش،
در پنجم آذر ماه مردم به
وسعت اصفهان به میدان
آمدند و قهرمانانه جنگیدند.
حکومت مزدوران بسیاری را
وحشیانه به جان مردم
انداخت و در جریان حمله
ددمنشانه بیش از دویست نفر
از مردم دستگیر، شمار
بسیاری از مردم زخمی و در
اثر شلیک با تفنگ های
ساقچه ای و نشانه گرفتن
مستقیم چشم معارضین،
شماری از مردم از ناحیه
چشم آسیب جدی دیده و
حتی برخی نابینا شده اند. این



صفحه ۲

پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری

یک مادر دادخواه، کارگران نفت و هفت تپه، بازنشسته و معلم و ... به کنگره دوازدهم حزب

بودیم غذایمان را برایشان
بگذاریم و جای گرم خواب
مان را به آنها بدهیم من
همیشه

می رسید اما همان هم نصیب
خودمان نبود ارباب ها با
کمال پررویی همیشه شریک
سفره ما بودند و ما مجبور

بودم نابرابری را درک میکردم
من ظلم اربابها را کشیده ام
وقتی بعد از کار طاقت فرسا
سهم ناچیزی از محصول به ما

پیام یک مادر به کنگره
حزب
سلام، من یک مادرم.
زنی مسن هستم. از وقتی بچه

صفحه ۱۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنبش ضد حکومتی علیه نابینا کردن معترضین

صفحه ۱ در اصفهان

اولین بار نیست که سرکوبگران حکومت اسلامی با استفاده از تفنگ های ساچمه ای دست به چنین جنایتی میزنند. قبلا نیز در بهمن ماه سال ۹۶ همین سیاست را در برخورد به درویش گنابادی بکار بردند و منجر به آسیب دائمی به چشمان برخی از این درویش و نابینا شدن آنها شد.

بنابر خبرهای منتشر شده در میان دستگیر شدگان کودکان نیز دیده میشدند. طبق آخرین گزارشات تعدادی از بازداشت شدگان با اخذ تعهد آزاد شده اند. اما بیش از ۱۵۰ نفر از آنها هنوز در بازداشت بسر میبرند و در زندانهای اصفهان، خمینی شهر و به اصطلاح "ندامتگاه" زنان اصفهان بسر میبرند.

که برای شماری از آنها تحت عنوان "لیدر اعتراضات" پرونده های سنگین تری باز شده است. بعلاوه در خوزستان نیز که قرار بود در همان روز پنجم آذر ماه در رابطه با موضوع بی آبی تجمعی برپا شود جمهوری اسلامی با بسیج گسترده نیروی سرکوبش مانع آن شد و در



خانه های امن و داشتن شغل و معیشت محروم کرده است. این چنین است که اعتراضات مردمی در اصفهان بازتاب خشم و اعتراض کل جامعه است که چنین رسا فریاد زده شد. اعتراضاتی که ترکش های آن به استانهای چهارمحال و بختیاری و خوزستان نیز کشیده شد. بویژه در خوزستان در رابطه با همین معضل ما خیزش مردمی را داشتیم و در همین هفته نیز فراخوان به تجمع در اهواز با سد حضور وسیع نیروی انتظامی روبرو شد. اما در ششم آذر ماه کشاورزان شهرستان باوی در این استان در اعتراض به عدم حقایبه کشت پاییزی خود مقابل درب شرکت آبیاری اراضی شرق کارون دست به تجمع کردند.

مردم اصفهان در اعتراضات علیه بی آبی و خشکی زاینده رود بار دیگر با شعارهایی چون مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر مافیای آب، ادامه آبان را فریاد زدند. و امروز حمایت و همبستگی با این

اعتراضات مردمی در اصفهان و علیه سرکوبگری حکومت در قبال این مردم هر روز گسترده تر میشود.

حمایت ها و همبستگی ها

سرکوب و وحشیانه کشاورزان و خیزش مردمی در اصفهان با موجی از خشم و انزجار از سوی مردم سراسر کشور روبرو شده و جنبشی در همبستگی از مبارزات این مردم شکل گرفته است. از جمله هم اکنون کارزاری شکل گرفته است که فراخوان دهندگان آن با بستن نمادین یکی از چشمان خود و با انتشار تصاویرشان با یک چشم بسته در سطح وسیع مدیای اجتماعی این اقدام جنایتکارانه رژیم را محکوم کرده و اعلام کيفرخواست میکنند. مادران آبان از جمله مادر نوید بهبودی و مادر پژمان قلی پور از جمله پیشنهادها پاسخ به این کمپین هستند که با بستن یکی از چشمان خود می گویند فرزندان مجروح اصفهان همانند فرزندان ما هستند و اجازه نمی دهیم خبر رنج آنها دفن

شود. باید وسیعا به این کارزار پیوست و صدای این جنبش اعتراضی را در سطح جهان انعکاس داد. جمهوری اسلامی باید بخاطر این جنایت ددمنشانه در سطح جهان محکوم شود. مادران آبان در صف اول حمایت از خیزش مردمی در اصفهان بودند. انتشار بیانیه های اعتراضی در محکومیت سرکوبگری های حکومت و در همبستگی با مبارزات کشاورزان و اعتراضات مردمی در اصفهان بخش دیگری از این همبستگی هاست. از جمله از سوی هشت تشکل و گروه کارگری تحت عنوان "سرکوب کشاورزان و مردم اصفهان، تعرض به آزادی و حقوق همه مردم است" بیانیه حمایتی مشترکی منتشر شده و امضا کنندگان آن عبارتند از: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، گروه اتحاد

جنبش ضد حکومتی علیه نابینا کردن معترضین در اصفهان

صفحه ۲



بازنشستگان، انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، اتحاد بازنشستگان و کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران.

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "خسونت و سرکوب و بازداشت در مقابل طلب حق طبیعی مردم زحمتکشی که سال‌ها محرومیت و نابرابری را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند، پاسخی کار ساز نخواهد بود. اکنون کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان این سرزمین با کشاورزان زحمتکش استان اصفهان همدل و همگام شده‌اند. جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیشرو ضمن مخالفت با اقدامات مخرب زیست محیطی، پشتیبان کشاورزان زحمتکش هستند و از خواسته‌های آنان دفاع می‌کنند. ما سرکوب کشاورزان و مردم معترض اصفهان را محکوم می‌کنیم و خواهان مجازات

شوند. باید با انعکاس صدای اعتراض مردم به سرکوبگری حکومت و اعتراض به نابینا کردن و قتل مردم معترض صدای خود را بگوش جهانیان رساند. آنچه در این هفته در اصفهان گذشت، مصداق دیگری از ابعاد جنایتکاری حکومت کثیف و چپاولگر سرمایه داری حاکم در ایران است. جمهوری اسلامی این حکومت سرکوب و کشتار و چپاول باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود و سران آن بخاطر همه جنایاتشان به محاکمه کشیده شوند. بساط جهنمی جمهوری اسلامی را با انقلاب خویش جمع خواهیم کرد.

۳۰ نوامبر ۲۰۲۱

البرز، ندای زنان ایران و گروه‌هایی از دانشجویان، ورزشکاران و بخش‌های مختلف کارگری در شهرهای سفز و مریوان امضا کنندگان این بیانیه مشترک بودند. به جنبش نوین همستگی با کشاورزان و مردم اصفهان باید وسیعاً پیوست. باید هويت و اسامی کسانیکه در جریان سرکوب وحشیانه اعتراضات مردمی در شهر اصفهان جان باختند روشن شود و در گرامیداشت یاد آنها صدای اعتراض خود را رساتر به گوش جهانیان رساند. باید اسامی تمام بازداشت شدگان در اصفهان روشن و رسانه ای شود و همه آنها و نیز دو بازداشتی شهر اهواز فوری و بدون قید و شرط آزاد

ها و تالاب‌هایی که بر اثر دستکاری های نهادها و وزارتخانه ها دچار خشکی و آلودگی شده اند، قطع انتقال بی رویه و غیراستاندارد آب از حوزه های کارون و زاینده‌رود و دیگر رودخانه ها به مناطقی که در راستای اهداف بی‌ربط به زندگی مردم قرار دارد، پرداخت فوری خسارتی که بر اثر بی‌آبی به کشاورزان وارد گردیده است تاکید کرده و همانجا با اعلام اینکه دولت در قبال معاش مردم مسئول است خواستار پرداخت مقرری ماهانه به همه کشاورزان تا زمان رفع مشکلات کشت جهت تامین مخارج زندگی و معاش خود شدند. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان

سرکوب گران و آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان هستیم." قبل از آن نیز ۲۴ نهاد و گروه و جمع از فعالین کارگری و دیگر عرصه های اجتماعی در بیانیه ای مشترک حمایت خود را از کشاورزان و مردم معترض اصفهان و شهرکرد در اعتراض به بی‌آبی اعلام داشتند. امضا کنندگان این بیانیه بر تحقق فوری مطالبات کشاورزان و مردم معترض در اصفهان و شهرکرد و خوزستان، جاری شدن فوری آب در زاینده رود و کارون و برگرداندن آب همه رودخانه ها به بسترهای طبیعی خود تاکید کرده بودند. این بیانیه همچنین بر سه مطالبه مهم از جمله تأمین بودجه کافی برای احیای دریاچه



پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی ممنوع!

حزب و جنبش کارگری

صفحه ۱

گفتمانهایی که حزب با آنها شناخته میشود ابتدا اشاره میکنم. در واقع حزب نماینده گفتمان های معینی در جنبش کارگری است و بر اساس این گفتمان ها وزن و مکان آن در جنبش کارگری به روشنی قابل رویت است.

اولین نکته اینست که ما جنبش شورایی هستیم. ما جنبش مجمع عمومی هستیم. ۳۵ سال قبل منصور حکمت مباحث نظری آنرا طرح کرد. سالها بر روی آن کوبیدیم و میدانی برای آن کار کردیم. امروز می بینیم کارگر نیشکر هفت تپه میگوید ما تشکل داریم مجمع عمومی ۵۰۰۰ نفره و مجمع نمایندگی ما تشکل ماست و آنرا ابزار نظارت شورایی خود تعریف میکند. و یا در نفت کارگران شورای سازماندهی اعتراضاتشان را درست میکنند و این شورا هدف خود را تکثیر تجربه نیشکر هفت تپه و ایجاد مجامع عمومی در مراکز مختلف نفتی و انتخاب نمایندگان منتخب کارگران و رفتن بسوی قراردادهای دسته جمعی قرر میدهد. اینها همه نشان میدهد که ما داریم جواب میگیریم. به یک معنا قبلا هر جا بحث جنبش مجمع عمومی داغ بود میگفتند اینها حزبی ها هستند. الان هر کجا پرچم شوراها بلند میشود میگویند اینها حزبی ها هستند.

یک گفتمان ما در جنبش کارگری این است که کارگر جدا از مطالبات مشخص خود، یک نیرو و موجودیت اجتماعی است و به همه مسائل درگیر در جامعه از جمله مبارزه علیه اعدام، برای رهایی زن، دفاع از حقوق کودک و اعتراضات مردمی کار دارد و نمیتواند درگیر نباشد. تاکید ما



کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران - روز اول
جمعه ۱۲ آذر ۱۴۰۰ ، ۳ دسامبر ۲۰۲۱

پیامگیر واتس اپ، تلگرام و سیگنال
0046722807052
KANAL JADID
کانال جدید

بود. عده ای با ساتیترمتر ایدئولوژیک مشغول کند و کاو میشدند و میگفتند. ببینید دانشجویان طرفدار خط رئیسی چه کردند، ببینید عده ای عزاداری راه انداخته اند، ببینید فلانی رفت در ستاد رئیسی، ببینید اینها میخواهند شرکت دولتی شود و ... ما همه تاکید مان این بود که نباید اجازه داد که تشبثات حکومت برای تفرقه افکنی و تلاش این جناح و آن جناح برای بهره جویی از این اعتراضات ذره ای بر دستاوردهای مبارزاتی این کارگران سایه بیندازد. گفتیم که ما هفت تپه را با گل گرفتن در شورای اسلامی و جلو آوردن گفتمان شورایی می شناسیم. ما هفت تپه را با شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی می شناسیم. و به باور ما از هفت تپه باید همچون یک سنگر مهم جنبش کارگری حمایت کرد و خود قاطعانه از هفت تپه حمایت کردیم. ضمن اینکه هر کجا که لازم بود جواب افراد معینی که میخواستند رنگ حکومتی و مذهبی به این اعتراضات بزنند را بموقع دادیم و به نقد کشیدیم. با این سیاست اعتراض رادیکال و قهرمانانه هفت تپه را تقویت کردیم و خود بازیگر میدانی بودیم. در عمل هم دیدیم که کارگران نیشکر هفت تپه خود جواب همه این

از جمله به خاطر دارم که در اعتراضات معلمان عده ای میگفتند مطالبات صنفی است، سیاسی نکنید. اعتراضات مسالمت آمیز است، امنیتی نکنید. تجمع ما سکوت است، موج سواری نکنید و یا با صلوات و با جناحی کردن مبارزات تلاش داشتند این اعتراضات را مخدوش و مهار کنند. تا مبادا خدشه ای به نظام بزند. در اعتراضات کارگری، معلمان، و بازنشستگان نیز این را دیدیم.

در برابر این نوع تفلاها عده ای نظاره گر بوده و میگفتند اینها خود حکومتی ها هستند و این حرکت به ما ربطی ندارد. ما گفتیم خیابان از آن ماست. با بردن گفتمان های چپ و رادیکال و جلو کشیدن خواستهایی سراسری چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و علیه تبعیض و نابرابری و اختلاسها و دزدی ها توانستیم گفتمان های راست و از جمله صلوات را از خیابان جمع کنیم. با این شیوه از کار درعین حال متحد کننده صف ۹۹ درصدی ها و تکثیر کننده شعارهای رادیکال در عرصه های مختلف مبارزاتی بودیم.

برای مثال در هفت تپه مثل همه جا گرایشات مختلف عمل میکنند. اما گرایش پیروز و موفق گرایش چپ و رادیکال و کارگری

مردمی در صف جلوی اعتراض قرار گرفته و به سرکوب مردم معترض میشود. و وقتی به هوایمهای اکرائینی موشک زده شد، صدای اعتراض خود را بلند کرده و خطاب به جهان خواستار انزوای این حکومت بخاطر جنایتهاش میشود. در اعتراضات میدانی نیز شاهد این هستیم که کارگر دارد کل بساط چپاول و سرکوب و جنایات و تبعیض و نابرابری را به چالش می کشد. این چنین است که طبقه کارگر به جلوی صحنه سیاسی جامعه عروج کرده و بطور واقعی به قلب تپنده جنبش سرنگونی تبدیل شده است. برای مثال کارگر نیشکر هفت تپه میگوید من نه فقط به عنوان کارگر بلکه بعنوان یک شهروند حرف میزنم و از اعتراضات مردم خوزستان حمایت کرده و به قطع اینترنت معترض میشود و صدای اعتراض خود را با شعار "حامی مفسد هستند از اینترنت میترسند" بلند میکند.

همچنین یک حرف ما همیشه این بوده است که در همه جنبش های اعتراضی از جمله جنبش کارگری گرایشات مختلف عمل میکنند. از جمله این را در بخش های مختلف اعتراضات کارگری از جمله این را در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری می بینیم.

همواره این بوده که کارگر رها نمیشود مگر اینکه جامعه را رها کند. خودمان نیز مثل حزب طبقه کارگر در تمام این عرصه های مبارزاتی درگیر بوده و در پیشروی هایش نقش داشته ایم. جریاناتی این اعتراضات را حاشیه ای و نا مربوط به کارگر میدانند و کار ما را به حساب کم بها دادن به جنبش کارگری یا طبقه کارگر میگذارند و میگذاشتند. امروز می بینیم این نوع نگرش یعنی دخالت در مبارزات اجتماعی به خلق و روش طبقه کارگر تبدیل شده است.

الان خود جنبش کارگری منتقد و معترض قاطع علیه اعدام، و علیه شکنجه و زندان شده و با قد علم کردن علیه امنیتی کردن مبارزات و گفتن اینکه پرونده سازیهای امنیتی در خدمت امنیت سرمایه داران است، بر وسیعترین آزادی ها تاکید میکنند. و امروز می بینیم که کارگر بر سر همه مسایل جامعه حرف میزند، چه بصورت تشکلهای و نهادها و چه بصورت چهره های شناخته شده کارگری و با اسم و رسم خود از زندان و از بیرون از زندان، بیانیه میدهد و عرض اندام سیاسی میکند. از جمله امروز کارگر دارد از دختران خیابان انقلاب و اعتراض علیه حجاب اعلام حمایت میکند. در خیزش های

حزب و جنبش کارگری

صفحه ۴



تعمیر ژله خبرنگار اهوان (Citizen Journalist)

تردید کردن ها را دادند. گفتند پیروزی ما نتیجه مهر و رفت رئیسی و هیچ جناحی نبوده است. گفتند انتخابات حکومت ربطی به ما ندارد. و گفتند ما با قدرت اعتراضاتمان این پیروزی ها را بدست آورده ایم و باید متحد بمانیم تا به دیگر خواستها برسیم و بدین ترتیب آب پاکي روی دست جناحهای مختلف حکومتی و شورای اسلامی و دانشجویان بهمان ریختند.

اتفاق مهم دیگر اعتصاب نفت است. ما در برابر جریانات راستی که تحت عنوان گروه مدیریت پایینگ و راه انداختن هیاهوی بسیار تحت عنوان کمپین ۱۴۰۰ از همان آغاز سعی میکردند کارگر را فقط بخانه بفرستند و مخالف هر گونه تجمع و مجمع عمومی بودند که مبادا اوضاع از کنترل خارج شود، ایستادیم. از جمله کوشیدند نماینده تراشی کنند و میخواستند با نامه به مجلس و رهبر مثل سال گذشته آبی بر آتش اعتراض کارگر بریزند. ما نماینده آن خطی و جهتی بودیم یکه در برابر همه این مانع تراشی ها ایستاد. ما بر مجمع عمومی و تکثیر تجربه نیشکر هفت تپه و تصمیم گیری جمعی کوبیدیم. درعمل جریانات راست عقب زده شدند و به ضد و نقیض گویی افتادند. در مقابل این جریانات در میان کارگران نفت مجامع عمومی کارگری و انتخاب نماینده و رفتن به پای قرار دادهای دسته جمعی شروع شد. همچنین شورای سازماندهی اعتراضات شکل گرفت. بدینگونه ما و خط ما جواب گرفت. و میبینیم که

امروز نفت آرام و قرار ندارد. ما همچنین از هویت یابی علنی چپ و رهبران کارگری با اسم و رسم خود سخن گفتیم. از حضور خانواده های کارگران در اعتراضات کارگران سخن گفتیم و نتایج مستقیمش را همه می بینیم. آخرین نکته اینکه یک تلاش ما جلو آوردن شعارهای سراسری در میان همه بخش های کارگری بوده است. ما بطور مثال در تکمیل شعار درمان کارآمد حق مسلم ماست که معطوف به اجرای همان سطح محدود مصوبه حکومتی بود، در تبلیغاتمان تلاش کردیم شعار "درمان کارآمد، درمان رایگان است" را جلو بیاوریم و در عمل و در کف خیابان شعار درمان رایگان برای همه میخس کوبیده شد. یا اینکه برای ما روشن بود که همسان سازی حقوقها برای بازنشسته و یا رتبه بندی برای معلم یک گشایش است. اما با تاکید بر افزایش حقوق به بالای خط فقر به عنوان نماد اعتراض به فقر، کاری کردیم که این مطالبات در عمل مبارزاتی آنها

طلبانه و علیه تبعیض طبقاتی و سرمایه داری حاکم در آن ها هر روز جلوتر آمده است. خلاصه کلام اینکه در این چند ساله ما شاهد یک دوره درخشانی در جنبش کارگری بوده ایم. مبارزات قهرمانه کارگران نیشکر هفت تپه، به میدان آمدن هزاران کارگر نفت و ترک خوردن دیوار خفقان پادگانی در مراکز نفتی، تجمعات گسترده و سراسری بازنشستگان، اعتراضات معلمان در بیش از هفتاد شهر، اعتراضات کارگران در معادن و شهرداری ها و ماشین سازیها و کشاورزان در اصفهان که التحریر خود را به پا کرده اند و بخش عمده آنها کارگران کشاورزی هستند. و غیره از جمله نقطه عطف ها بود. ما با رویکردهای خود که به رئوس آن اشاره کردم حضور فعال و دخالتگری در تمام این

عرصه ها داشته ایم. و نتیجه آن روی آوری بیشتر از سوی بخش های مختلف کارگران و بویژه اکتیویست های این جنبش ها به حزب است. پیامهای ارسالی به همین کنگره از جمله پیام کارگران از نفت و هفت تپه و معلمان و بازنشستگان و کشاورز در اصفهان و از فعالین دفاع از حقوق کودک و بخش های مختلف اجتماعی آینه ای از ابعاد حضور اجتماعی حزب در جنبش کارگری و در کل جامعه است. من در آخر دست همه کسانی که فعالیت خود را در راستای گفتمانهایی که گفتیم قرار داده اند بگرمی میفشارم. و این هم جهتی میتواند مبنای فعالیت مشترک ما باشد. ضمن اینکه شما را فرامیخوانم که بیایید عضو این حزب بشوید. و در عین حال از همه کارگران و از همه شما مردم دعوت میکنم که به این حزب بپیوندید. زنده باد

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

کارگر "از کار افتاده" از زندگی نیافتاده

صفحه ۱

تا وقتی ارزش داری که توان داشته باشی که ارزش اضافه بیافرینی، وقتی به چشم می آیی که بتوانند به استمارت بکشند و همین که توانت بر اثر گذر روزگار و یا حادثه کاری کم می شود یا کلاً آنرا از دست بدهی امور را طوری تنظیم کرده اند که احساس کنی سربار هستی و زنده بودن بی ثمر است.

محمد، کارگر ساختمانی که بر اثر سقوط از داربست قطع نخاع شده و از کمر به پایین فلج است این چنین از زندگی اش می گوید: «دشوار است گوشه خانه بنشینم و هیچ کاری از دستم برنیاید؛ دشوار است سربار باشی؛ روزگار با من بد تا کرد؛ ما آن زمانها، بیمه تامین اجتماعی نداشتیم؛ فقط روزمزد کار می کردیم و حقوق می گرفتیم؛ حقوق مان هم کفاف هزینه های جاری را نمی داد، چه برسد به کنار گذاشتن و پس انداز؛ هیچ پس اندازی برای روزهای بیماری و ازکارافتادگی نداشتیم؛ حالا یکی، دو سالی است که بیمه سلامت هستم و دفترچه گرفته ام؛ با این وجود، خیلی از داروها و هزینه ها را این دفترچه پوشش نمی دهد؛ من

غلفتی کنده شده بود. کارگر نگون بخت دست را به توصیه همکارانش بالا گرفته بود که کمتر خون از دست بدهد. این دست دیگر برای او دست نمی شد. در زمانی دیگر و در مکان دیگر؛ کارگر ۱۴ ساله ای که در کارگاه "پادو" محسوب می شد دستانش روی ریل دستگاه ماشین CNC قرار داشت و همکارش همین که دستگاه را راه انداخت (فرصت چنان اندک بود) که چهار انگشت دست راست (به جز شصت) را از دست داد. کارفرما محبت کرد و برای سالیان با همین وضعیت او را به کار کشید و منت روی سرش ماند که بیرونش نکرده! و... این وضعیتی که هر روز و هر لحظه می تواند اتفاق بیفتد...

در قبال همه مصیبتی که پیامد حوادث کار است تنها چیزی که در قانون سرمایه اسلامی در نظر گرفته شده (البته فقط کارگرانی که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند) با نهایت تحقیر و طلبکاری چندرغاز مستمیری از کارافتادگی است، آن هم بعد از سیر یک مسیر طولانی و فرسایشی.

طبق قانون رژیم اسلامی سرمایه کارگر حادثه دیده از پیش متهم است که دارد تمرد می کند؛ و باید به کمیسیون پزشکی تامین اجتماعی ثابت کند که خودش را به موش مردگی نزده! با وجود مشاهده قطع عضو یا فلج شدن، کارگر معلول باید این موارد مشهود را به کمیسیون پزشکی معتمد تامین اجتماعی ثابت کند. و منظور تنها اثبات این نیست که در محل کار این بلا سرش آمده بلکه باید اعضای این کمیسیون مجاب شوند که

علاجی برای سلامتی او وجود ندارد. در واقع این کمیسیون یک دادگاه است، دادگاه سرمایه علیه کارگری که توان کار کردن بخاطر سود سرمایه دار را از دست داده است. دادگاهی از نوع دادگاههای رژیم اسلامی که متهم (کارگر حادثه دیده) تک و تنها باید به مصاف چند نفر برود که از پیش تصمیم شان بر این است که همه چیز را منکر شوند و همه چیز بر سلیقه و نظر شخصی ایشان استوار است. پزشکانی که هیچ قسم مقدس پزشکی جز قداست سود سرمایه برایشان ارزش ندارد.

رفتار کمیسیون پزشکی مربوطه چنان ضد انسانی است که صدای کارگزاران سرمایه را نیز در آورده است: "...آرای صادر شده از سوی کمیسیونهای پزشکی از منطق ثابتی پیروی نمی کند. کارگرانی با وضعیت یکسان درصدهای متفاوتی از کار افتادگی می گیرند. از طرف دیگر میزان مستمیریها و مبالغی که تعلق می گیرد، مطابق هزینه های زندگی و شرایط بیکاری کارگر نیست. کارگری که دچار شوک روحی و روانی از کار افتادگی ناشی از کار شده مجبور است کاغذبازی و پروسه بوروکراتیک زیادی را تحمل کند. معلوم هم نیست این پایین و بالا کردن پله ها نهایتاً نتیجه بخش باشد



یانه. (ایلنا) میکائیل صدیقی (رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی میروان و سروآباد) در مورد کارگران ساختمانی حادثه دیده می گوید: "...مسیر کمیسیونهای ازکار افتادگی تامین اجتماعی، آنقدر سخت است و آن چنان در این کمیسیونها سخت می گیرند که عملاً کارگران در بسیاری از اوقات از حق خود محروم می مانند. او به سختی های کار کارگران در کمیته ها و کمیسیونهای مربوطه اشاره می کند: "برای ازکار افتادگی، خیلی سختگیری می کنند؛ اولین مرحله، تایید استراحت پزشکی برای کارگر حادثه دیده است؛ برای اینکه به یک کارگر ساختمانی حادثه دیده، استراحت پزشکی بدهند، باید ساختمان حتماً «مجوز ساخت» داشته باشد؛ اگر مجوز نداشته باشد، به کارگر استراحت پزشکی نمی دهند! یا قبلاً برای دیسک کمر، کمیسیون غرامت تشکیل می شد اما حالا اول نامه عمل جراحی می دهند، اگر عمل جراحی موفق نبود و جواب نداد، بعداً می رود کمیسیون!"

حالا کارگری که از همه موانع سخت و طاقت فرسای کمیسیون پزشکی گذر کرد نهایتاً آن چیزی که دستش را می گیرد آنقدر ناچیز

صفحه ۶



کارگران بیدارند، از استثمار بیزارند!

کارگر "از کار افتاده" از زندگی نیافتاده

صفحه ۵



است که بسیاری ترجیحا برای اینکه سابقه بیمه شان ناقص نشود با همان شرایط نقص عضو شده سرکار می روند. به اعتراف منصورى نامى که رئیس کانون سراسرى انجمن‌های صنفى بازرسان ایمنى و بهداشت کار کشور خوانده شده: "فرد (کارگر) ترجیح می‌دهد با معضلات جسمی - حرکتی به کارش ادامه دهد اما از مبالغه از کار افتادگی استفاده نکند؛ چون مبلغ به غایت کمی در شرایط و مخارج کنونی است. اینجور کارگران معمولاً با وجود سختی و مشکلاتی که دارند، به دلیل مشکلات معیشتی در بازار کار غیررسمی کار می‌کنند. در عین حال در سوابق بیمه‌ای کارگر نیز ثبت می‌شود." و این ثبت سابقه حادثه کار برای این است که فردا روزی کارگر "مدعی خیلی چیزها نشود" و از سوی دیگر باز هم به اقرار منصورى: "کارگری که برای کارفرما هزینه بیمارستان ایجاد می‌کند و ضعف جسمی داشته باشد یا باعث حادثه‌ای در کار بشود، خیلی اوقات اخراج می‌شود و این از عواقب از کار افتادگی است. این است که کار و امنیت شغلی کارگران نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرد." در موردی که خود شاهد بودم کارگری که بر اثر حادثه تا مرز قطع نخاع پیش رفت و در ستون فقراتش دو عدد پین تعبیه کردند و با همین وضعیت سرکار می‌رفت. یعنی او را داخل تانکر می‌گذاشتند تا کار جوشکاری اش را انجام دهد. در صورتی که پزشک معالج گفته بود مطلقاً سر کار نباید برود و باید یک تا دو سال فیزیوتراپی کند. اما

پروسه اینکه تشخیص دهند او عملاً قادر به کار نیست چنان طولانی بود که او بعد از چند ماه به سرکار خود برگشت. در اینجا هم کارفرما وجدانش اجازه نداد که او کار نکند! البته به شرطی که شکایت نکند قول خرید خانه ای را هم داد. اما از آنجا که نگفته بود حتماً این کار را می‌کند هیچ وقت زیر قولش نزد فقط آنرا پشت گوش انداخت تا آنها از آسیاب بیفتند! و بعد از نزدیک دو سال کارهای مربوطه به کمیسیون پزشکی که با عملیات یورش به خانه کارگر مزبور همراه بود و به شیوه نیروهای سرکوبگر میخواستند مطمئن شوند که کارگر مزبور وضعیت اش از بابت وسایل زندگی چگونه است، آیا همسرش دارای زیور و آلات (طلا) است! این واقعه در سال ۷۴ اتفاق افتاد و آزمون داشتن تلویزیون رنگی یک جورهایی لوکس محسوب می‌شد و د رمنطق سرمایه، کارگری که از آن برخوردار بود لابد وضعیتش خیلی خوب است! خانم بازرسی فرموده بودند: "آهان تلویزیون رنگی هم که دارید!" نهایتاً حقوقی که در نظر گرفتند چنان اندک بود که کارگر آسیب دیده مجبور شد که با همان وضعیت جسمانی به کار کردن ادامه دهد. البته پیش همان کارفرمای با وجدان. گفتنی است که با کمال تأسف آن کارگر هیچ وقت خوب نشد و عملاً دو پای خود را از دست داد.

برای تعیین مستمری از کارافتادگی قانون رژیم اسلامی سرمایه تاکید می‌کند که نباید مستمری بیشتر از صد درصد و کمتر از ۵۰ درصد حقوق دریافتی ماهانه کارگر باشد. البته سرمایه و کارگزاران سرمایه حواس شان هست که پول مفت (!) به کارگر ندهند. برای همین چنان فرمولی تهیه کردند (یک سی‌ام متوسط حقوق ماهانه بیمه شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه) که عملاً دریافتی کارگری که به تشخیص ایشان "از کار افتاده کلی" محسوب می‌شود حتی با احتساب افراد تحت تکفلش عملاً بیشتر از ۶۰ درصد نمی‌شود. این در صورتی است که کمیسیون مربوطه طبق ضوابطی که نفع سرمایه در آن الویت اول و آخر است، تشخیص دهند که کارگر تا میزان ۶۶ درصد و بیشتر از کار افتاده شده است. در صورتی که تشخیص دهند بین ۳۳ تا ۶۶ درصد است طبق منطق ایشان "از کارافتاده جزئی" محسوب می‌گردد. یعنی در صورت تشخیص ۶۵ درصد از کارافتادگی هنوز کارگر از کار افتاده کلی محسوب نمی‌گردد! و برای از کار افتاده جزئی ۳۵ درصد مبلغ از مستمری وضع شده برای از کارافتاده کلی را در نظر می‌گیرند و شما خود حساب کنید که از کارافتادگی ۱۰ تا ۳۳ درصد از این هم کمتر است چون به تشخیص ایشان این کارگر هنوز توان استعمار شدن را دارد.

در قانون سرمایه اسلامی شده هیچ پشتوانه دیگری (اگر این چندرغاز را پشتوانه حساب کنیم) از کارگر معلول شده بر اثر کار وجود ندارد. یعنی بر اثر طمع و حرص کارفرمای محترمی که حاضر نیست کوچکترین هزینه‌ای برای ایمنی محل کار انجام دهد بلکه برعکس با فشار کار و تهدید دائمی به اخراج، با عقب انداختن مداوم پرداخت دستمزدها، و با فضای بسته و کثیف محیط کار و نور کم و هوای شدید آلوده کارگاه و سر و صدای شدید و نیز با از کار انداختن عمدی قطعات که برای ایمنی دستگاهها نصب شده برای سرعت بخشیدن به کار و ... محیط کار و شرایط کار دائما به سوی ناامنی بیشتر سوق داده می‌شود.

چیزی که برای سرمایه زیاد است کارگر است و داشتن کارگر برای سرمایه هزینه زیادی در بر ندارد. مضافاً بر اینکه در هیچ کجای قانون جاری تصریح نشده که کارفرمای مقصر باید جوابگو باشد و آنجا که نصف و نیمه اشاراتی شده اولاً چنان شرایطی از پیش تامین شده که کارگر نتواند حرفش پیش رود و مهم تر اینکه هم قانون و عوامل اجرای قانون حواس شان به جیب سرمایه دار است نه زندگی کارگر.

در میان انبوه مطالبات کارگران از سرمایه در ایران حق برخورداری از زندگی سالم و شاد و مرفه بعد از مصدوم و نقص عضو شدن خواسته‌ای است فراموش شده. برای همین کارفرما و دولت مطبوع شان توانسته اند بدترین شرایط را بر کارگر حادثه دیده تحمیل کنند. از کار افتادگی یک تهدید مدام کارگران است و روز به روز شدیدتر می‌گردد. شخص کارفرما که کارگر را برای ساعاتی یا یک روز یا هر چند وقت که در استخدام دارد، مسئول جان و امنیت او است و باید در قبال همه حوادث کاری جوابگو باشد و تمام هزینه درمان را پرداخت. و دولت موظف است که بدون اما و اگر و هدایت کارگر در یک پروسه فرسوده کننده زندگی کارگر حادثه دیده و مصدوم شده را به بهترین نحو تضمین کند. نقص عضو نباید پایان پروسه زندگی یک نفر و کل خانواده او تبدیل شود. دولت ضمن ایجاد شرایط بهبود و توانبخشی فرد مصدوم باید شرایطی فراهم آورد که فرد حس نکند که بخاطر حادثه کاری از جامعه طرد شده است. کارگر حادثه دیده توان کار کردن را به خاطر سود سرمایه از کف داده و اگر کسی قرار است شرم کند این سرمایه دار است. "از کارافتاده" نباید مطرود محسوب شود او حق زندگی شرافتمندانه را دارد.*

نه به جمهوری اسلامی، آری به جمهوری سوسیالیستی!



پیام کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران به مردم جهان

کنگره ما به شما مردم جهان، به سازمان های کارگری، به مدافعین حقوق انسانی، به فعالین حقوق زنان، به فعالین حقوق رنگین کمانی ها، به سکولاریست ها، اومانیت ها و آزاد اندیشان و همه کسانی که طی سالها، با بهت و انزجار، عملکرد حکومت وحشی اسلامی ایران را شاهد بوده و به همبستگی با مردم ایران پیا خاسته اند درود می فرستد.

جهان اکنون بیش از هر زمان دیگری از جنایات این حکومت دیکتاتور و تروریست آگاه است: از آپارتاید جنسیتی نفرت انگیز آن و خشونت آن علیه زنان، از به فقر کشاندن کارگران، از اعدام کودکان، اعدام رنگین کمانی ها، حبس، شکنجه و اعدام مخالفین

سیاسی، شلاق زدن به کارگران و زنان و مدافعین حقوق انسانی، سرکوب بی خدایان و پیروان مذاهب دیگر، سرکوب اقلیت های قومی، قتل عام زندانیان سیاسی، مانند کشتار تاپستان ۶۷، کشتار جمعی، دستگیری و ناپدیدسازی معترضین، مانند آبان ۹۸، شلیک عامدانه به هواپیمای مسافربری و کشتار ۱۷۷ سرنشین آن، اعدام ورزشکاران معترض، مانند کشتی گیر قهرمان نوید افکاری، آدم ربائی و اعدام روزنامه نگاران، مانند روح الله زم، زندانی کردن دو تابعیتی ها با اتهام ساختگی جاسوسی، مانند نازنین زاغری رتکلیف، ترور و جنایت علیه مردم سوریه، عراق و لبنان، خواست نابودی یهودیان و مردم اسرائیل، تلاش برای ساخت سلاح هسته ای بمنظور گسترش تروریسم خود در جهان و باج گیری از مردم جهان، فساد، غارت منابع طبیعی و از بین بردن محیط زیست، دشمنی با تمدن بشری و معیارها و ارزش

های متمدن. لیست بی انتهاست.

جهان در عین حال بیش از هر زمان دیگر آگاه است که مردم ایران این حکومت را نمی خواهند و عملاً دست به کار سرنگونی آن شده اند. شعارهایی مانند "جمهوری اسلامی نمی خوایم، نمی خوایم"، "مرگ بر دیکتاتور"، "دشمن ما همینجاست"، "مرگ بر خامنه ای"، و بسیاری شعارهای دیگر، آوازه اعتراضات توده ای وسیعی بوده است که طی چند سال گذشته ایران را به لرزه در آورده است.

حزب ما حزب این اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای سرنگونی آن است، و بعنوان نیروئی سهم گذار، عملاً در آنها دخیل است. حزب ما حزب یک "نه" سازش ناپذیر به جمهوری اسلامی است، نه به اسلامیت و ارتجاع مذهبی آن، نه به زن ستیزی و خشونت آن علیه زنان، نه به حجاب اجباری و آپارتاید

جنسیتی، نه به تحمیل فقر به کارگران و سرکوب فعالین کارگری، نه به مجازات اعدام، نه به اعدام کودکان، نه به قانونی کردن ازدواج کودکان و آزار جنسی کودکان، نه به زندانی کردن، شکنجه و کشتار مخالفین سیاسی و معترضین، نه به بی حقوقی و جنایت علیه رنگین کمانی ها، نه به نظام قضائی وحشی آن و بی حقوقی شهروندان، نه به آزار مردم افغانستانی در ایران و محرومیت آنان از حقوق شهروندی.

بعنوان مکمل این جنگ بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران، در سطح بین المللی نیز حزب ما برای طرد و انزوای جهانی جمهوری اسلامی مبارزه می کند. بایکوت سیاسی، دیپلماتیک، ورزشی و فرهنگی جهانی جمهوری اسلامی، مانند بایکوت رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی، کمک مهمی به مبارزه مردم ایران برای رهائی خود و جهان از شر این حکومت منفور خواهد بود.

حزب ما خواهان قطع روابط دیپلماتیک با این حکومت، عدم برسمیت شناسی سیاسی آن، بستن سفارت های آن و اخراج آن از نهادهای سازمان ملل مانند سازمان جهانی کار (آی ال او) و از تمام سازمان های ورزشی و فرهنگی بین المللی است. حزب ما از طریق دفتر بین المللی، تشکیلات خارج کشور و نهادها و کمپین های همراه خود فعالانه در جهت این هدف می کوشد.

کنگره ما بار دیگر به شما مردم جهان درود می فرستد و شما را فرا می خواند به کارزار بایکوت جهانی حکومت اسلامی ایران پیوسته و بهر شکل ممکن از مبارزه سرنوشت ساز مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه و دنیائی بهتر حمایت کنید.

کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری
ایران

پیام کنگره دوازده حزب به مردم ایران: "ما همه باهم هستیم!"

قدرت مبارزه و انقلاب کارگران و همه مردم! شعار ما شریف و شفاف است و در خیابانها فریاد زده میشود: "نان، آزادی، اداره شورایی!"

بگذار بار دیگر یادآور شویم که با سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای آزاد و برابر و مرفه در ایران نه فقط خود که جهان را از کابوسی چهل و چند ساله رها میکنیم. چنین باد!

مردم! انقلابی عظیم و کارگری در ایران در راه است. چشم انداز سپردن جمهوری اسلامی به موزه تاریخ روشن تر از همیشه است. ساختن جامعه سوسیالیستی عاری از هرگونه تبعیض و بی حقوقی و استثمار نه فقط آرزو که ضرورت و وظیفه ای مبرم است که در برابر ما قرار میگیرد. برای همه اینها ما به یک حزب سیاسی پخته و روش بین نیاز داریم. حزب کمونیست کارگری برای این روزها ساخته شده است. در این کنگره از همه شما دعوت میکنیم به حزب خودتان بپیوندید!

به شما معلمان که کلاس درس مبارزه برای "معیشت و منزلت" را به وسعت سراسر ایران دانه کرده اید!

به شما بازنشستگان که سرمشقی برای همه هستید و هیچگاه از مبارزه برای بهبود اوضاع خود و نسل های آینده بازنشسته اید!

درد ما به شما پرستاران و کادر درمانی، به شما دانشجویان، به شما کولبران، به شما رانندگان و کشاورزان و در یک کلام به همه اقشار مردم ایران که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر اوضاع نخبه‌بار کنونی بپاخاسته اید!

گرمترین درودهای کنگره ما به شما مردم قهرمان ایران!

به شما زنان که هر روز در نبردی بی امان علیه یک رژیم سرتاپا ضد زن هستید و آن را به عقب می رانید!

به شما کارگران هفت تپه و نفت و فولاد و مراکز دیگر که پیشاپیش صف مبارزه علیه جمهوری اسلامی پرچم اعتصابات سراسری و اداره شورایی را برافراشته اید!

به شما معلمان که کلاس درس مبارزه برای "معیشت و منزلت" را به وسعت سراسر ایران دانه کرده اید!

به شما بازنشستگان که سرمشقی برای همه هستید و هیچگاه از مبارزه برای بهبود اوضاع خود و نسل های آینده بازنشسته اید!

درد ما به شما پرستاران و کادر درمانی، به شما دانشجویان، به شما کولبران، به شما رانندگان و کشاورزان و در یک کلام به همه اقشار مردم ایران که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر اوضاع نخبه‌بار کنونی بپاخاسته اید!

ما دست شما را به گرمی می فشاریم و در این کنگره اعلام می کنیم که "ما همه باهم هستیم!" راه ما روشن است: سرنگونی جمهوری اسلامی به



پیام به کارگران

کارگران!

کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری به همه شما صمیمانه درود میفرستد. اعتراضات و اعتصابات بی وقفه شما بر متن جامعه پیاخاسته ای که در مبارزات هر روزه اش سرنگونی جمهوری اسلامی را هدف گرفته است نوید بخش انقلابی ریشه ای برای درهم کوبیدن نظم موجود و ایجاد تغییرات بنیادی و همه جانبه به نفع توده مردم و کل جامعه است.

اعتراضات و تجمعات و اعتصابات گسترده شما کارگران، از هفت تپه تا نفت و ایران خودرو، از هپکو و فولاد اهواز تا کارگران راه آهن و شهردارپها و مخابرات و معادن، زمینه ساز و موجد فضای اعتراضی رادیکالی است که به خیزشهای توده ای نظیر خیزش ۹۶ و ۹۸ منجر شد. بعد از ۹۸ نیز پیشرویها و دستاوردهای جنبش کارگری

فضا و جنبش سرنگونی طلبانه در جامعه را گامهای بلندی بجلو سوق داده است.

شما کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصابات و مبارزات متحدانه و هوشیارانه و مصممانه خود حماسه آفریدید و کاری کردید که امروز هفت تپه به یک سنگر مهم جنبش کارگری و اعتراضی در جامعه تبدیل شده است. شما موفق شدید از کارفرمای فاسد و چپاولگر و دار و دسته مافیائی اش خلع ید شود و رژیم را وادار کردید او را محکوم و زندانی کند، و بدینگونه افق خلع ید از کل طبقه سرمایه دار و اداره شورائی و مقابله با هر نوع دولت مافوق مردم را در برابر جامعه قرار دادید.

شما هزاران کارگر نفت با اعتصابات سراسری و متحدانه خود سیاستهای کلان اقتصادی حکومت نظیر پیمانکاری و مناطق ویژه اقتصادی را بجالش کشیدید. شورای سازماندهی اعتراضاتتان را بنا کردید. در مبارزاتتان با پافشاری بر افزایش

دستمزدها و حقوقها جنبش گسترده بر سر این خواست را قدرت بخشیدید.

شما بازنشستگان با تجمعات سراسری و وسیع و شورانگیز خود امروز به یک فاکتور سیاسی در جامعه تبدیل شده اید و نقش ارزنده ای در بجلو راندن خواستهای سراسری چون درمان رایگان و اعتراض به تبعیض و نابرابری و علیه اختلاس ها و سرکوبگری ها ایفا کرده اید و به بخشهای مختلف مردم شور و امید و انرژی داده اید.

شما معلمان با اعتصابات و تجمعات سراسری در آغاز سال تحصیلی پرچم تحصیل رایگان برای همه را بدست گرفتید و در آخرین تجمع سراسری خود در بیش از ۷۰ شهر اعتراض کل جامعه علیه کشتار جمعی کرونا را نمایندگی کردید، جانانه مقابل حکومت کرونا ایستادید و بر اجرای همین امروز خواست تحصیل رایگان در دل بحران کرونا پای فشردید.

صف انبوه محرومان و

حاشیه نشینان و کولبران و سوختبران و اکثریت عظیم بزرگ خط فقر رانده شدگان از مبارزات شما کارگران نیرو میگیرد و در برابر حکومت مفتخوران قد راست میکند.

و شما رهبران و چهره های محبوب جنبش کارگری از زندان و از بیرون زندان، علیه فساد حکومتی، علیه شکنجه و سزایهای امنیتی، علیه شکنجه و شلاق و کل سیستم قضائی حکومت، در دفاع از جنبش رهائی زن، در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام، علیه سیاستهای جنایتکارانه حکومت و کشتار جمعی کرونا و فاجعه کرونا در زندانها و در جامعه قد علم کردید و با بیانیه ها و پیامهای پرشورتان در حمایت از فعالین جنبشهای اعتراضی در همه این عرصه ها نقش و جایگاه شایسته طبقه کارگر در مقابله نود و نه درصدیها با یک درصدیهای مفتخور سرمایه دار را به نمایش گذاشتید. شما به فعالین سایر جنبشهای اعتراضی راه نشان میدید و آنان را حول

نقد و اعتراض عمیق طبقه کارگر با خود و با یکدیگر متحد و همبسته میکنید. درود بر شما! کارگران!

جنبش کارگری با اعتصابات و اعتراضات پیگیرش و با رهبران و نهادها و فعالین محبوب و سرشناسش ستون فقرات جنبش سرنگونی طلبانه است. جنبشی که حزب طبقه شما، حزب کمونیست کارگری مدتهاست پرچم آنرا برافراشته و پیگیرانه برای تعمیق و پشبرد و سازمانیابی آن در همه عرصه ها و به پیروزی رساندن آن مبارزه میکند.

کنگره حزب همه شما را به پیوستن به صفوف حزبتان فرا میخواند. این حزب شما، بازتاب دهنده صدای شما و سنگر پیشروی شماست. به حزب طبقاتی خودتان پیوندید. دست در دست هم به این اوضاع غیر انسانی پایان خواهیم داد.



زنان پرچمدار انقلاب آتی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی پیام کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری به زنان

ظلم به زنان و علیه مصائب
بیشمار مردم را روی خرابه های
جمهوری اسلامی برافزاییم.
همچون همیشه سربلند باشید و
شک نکنید که پیروزی از آن
ماست.

عزم جزم شما برای آزادی و
رهایی زن، برای برابری و قطع
دست مذهب به اینجا رسیده
است. مطمئن باشید که آن روز
تاریخی در راه است که همه ما
مردم دوشادوش هم، پرچم
انقلاب زنانه پرچم انقلابی
انسانی و رهایی بخش، علیه

کنگره دوازدهم حزب
کمونیست کارگری به همه شما
زنان جسور و فعالین خستگی
ناپذیر جنبش نوین رهایی زن
درد میفرستد و اعلام میدارد
این پرچم انقلاب زنانه است که
از هشت مارس ۱۳۵۷ تاکنون با
همت، با مبارزه نفس گیر و با

خشونتتها و جنایات سیستماتیک
حکومتی را برافراشته اید؛ شما
زنان که در کف خیابانها
رودرروی محافظان نظام ایستاده
و با جسارت و رشادت خود
پرچمدار اعتراض برای رهایی
کل جامعه شده اید؛ شما زنان
مبارز که نه تنها خیابانها، بلکه
زندانها را نیز بر سر جمهوری
اسلامی خراب کرده اید.

درد بر شما زنان جسور و
شجاع که دوره به دوره، برگی از
تاریخ مبارزه قدرتمند علیه
جمهوری اسلامی را ورق زده
اید. شما زنانی که از تکثیر
دختران خیابان انقلاب، به تکثیر
زنان لیدر اعتراضات سراسری
علیه حکومتی ضدزن و
سرکوبگر رسیده اید.



درد بر شما زنان که تاریخ
ساز هستید؛ شما زنان که در
جدال هر روزه با زیر پا انداختن
حجاب و حمله به اسلام و
قوانین اسلامی، ارکان و
ارزشهای حکومت اسلامی و
آپارتاید جنسی را درهم کوبیده
اید؛ شما زنان که علیه جنایتها و
سرکوبها پرچم جنبش
دادخواهی و کیفرخواست علیه
سران نظام و آمرین و عاملین

درد بر شما!
زنان که یک نقطه عطف انقلاب
مردم ایران علیه حکومت
غارتگران و قاتلان و متجاوزین
هستید و در صف مقدم جنبش
سرنگونی با گامهایی کوبنده، با
مشتهایی گره کرده، با اعتماد به
نفس و قدرتمندتر از همیشه، به
پیش می روید.





پیام به خانواده های دادخواه

دادخواهی جنبشی فراگیر در ایران است، جنبشی که هرروز ابعاد تازه تری به خود میگیرد و فعالین و سازماندهندگان بیشتری به خود جذب میکند. کمتر خانواده ای را می توان یافت که تیغ رژیم اسلامی بر پیکرش وارد نیامده باشد، انسانهایی که جمهوری اسلامی جانانشان را گرفت تا قدرت اهریمنی خود را مستقر سازد:

دهها هزار زن و مردی که به جرم آزادیخواهی به قتل رسیدند، مسافرانی که هرگز به مقصد نرسیدند زیرا زندگی شان با شلیک موشک سپاه پاسداران در چشم بهم زدن پایان گرفت،

شهروندان معترضی که در اعتراضات خیابانی کشتار شدند، کسانی که در جریان قتل های زنجیره ای بیرحمانه سلاخی شدند و جانشان گرفته شد، زندانیانی که در سیاه چالهای رژیم در دهه شصت و یا دهه های بعد از آن زیر شکنجه به قتل رسیدند، مردمی که در لشکرکشی به کردستان کشتار شدند، قربانیان ترور و کشتار رژیم در ترکمن صحرا در اولین سالهای پس از انقلاب، ساکنین خرمشهر که در خرداد ماه ۱۳۵۸ کشتار شدند، فعالینی که در داخل و خارج کشور ترور شدند، کولبران و سوخت برانی که بیرحمانه مورد شلیک گلوله پاسداران قرار گرفتند. و این لیست بسیار طولانی است.

هر جنایت حکومت

اسلامی بذری کاشته است که از آن جنگل سترگ خشم و دادخواهی رویداده است. فریاد رسای داد از همه جا بلند است: داد از این همه پیداد و جنایت و آدمکشی.

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری به شما خانواده های دادخواه صمیمانه درود می فرستد و از دادخواهی شما قاطعانه حمایت می کند. دادخواهی نه بر سر انتقام و

خونخواهی که بر سر متوقف کردن چرخه جنایت و آدمکشی از طریق محاکمه آمران و عاملان این جنایات است. دادخواهی برسر دادن حق به حق دار است، برسر اینکه در آینده هیچ نیروی دیگری نتواند جنایاتی مشابه جمهوری اسلامی را تکرار کند. سران حکومت اسلامی و همه کسانی که در کشتار مردم و عزیزان ما دست داشته اند باید بدون هیچ

گذشتی به دست عدالت سپرده شده و محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری پیگیری خواستهای جنبش دادخواهی مردم را در راس اولویت های خود قرار داده است و برای عملی کردن این خواستها تمام توان خویش را به کار خواهد بست. دست همه شما را به گرمی می فشاریم و به شما اطمینان میدهم که پیروزی از آن ماست.

کمیته سازمانده



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران را می توانید در شبکه های اجتماعی از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و به اشتراک بگذارید

**این حزب شماست
به حزب خود پیوندید**

@wpisazmaneh

www.sazmandeh-wpi.com

tamas.wpi@gmail.com

+447435562462



آرش گنجی

کیوان باژن

بکتاش ابتین

خندان مهابادی

پیام کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری به کانون نویسندگان ایران

دوستان عزیز!

حزب کمونیست کارگری به بند کشیدن چهار عضو کانون نویسندگان ایران، رضا خندان (مهابادی)، بکتاش ابتین، کیوان باژن و آرش گنجی را که به حق با اعتراض داخلی و جهانی علیه حکومت اسلامی روبرو شد، شدیداً محکوم میکند. اعضای کانون نویسندگان باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و به احضارها و بازداشت های

اعضای کانون پایان داده شود. در موج مبارزاتی که کل جامعه را فراگرفته، دستگیری‌های وسیع دیگر نه موجب وحشت که باعث گسترده تر شدن اعتراضات خواهد شد. این دستگیری‌ها نشانه اقتدار نیست، بلکه نشانه ترس و جبن حاکمان تبهکار از موج روزافزون فشار از اعماق جامعه علیه کلیت نظام سیاه اسلامی با تمام مافیاهای باندها و شیادان درونی آن است. مبارزه برای آزادی بیان و قلم از همان زمانی آغاز شد که خمینی گفت "قلم‌ها را میشکنم"، زمانی که به انقلاب و انقلابیون یورش بردند، و حرمت و کرامت انسانی یک جامعه پهاخته علیه دیکتاتوری

را لگدمال کردند. امروز کانون نویسندگان یک سنگر مهم این مبارزه است. عبور مبارزه شما از تدبیرهای مقابله با هنرمندانی که با توهم و تنفس در چهارچوب قوانین شرعی رژیم به بلندگوی جناحی رژیم تبدیل شده بودند قابل تحسین است. شما در سالهای گذشته با انتشار بیانیه‌هایی عمیق و رادیکال، شجاعانه از اعتراضات حق طلبانه مردم حمایت کردید و سرکوب‌ها و اعدام‌ها و فقر و فلاکتی که توسط اقلیت مفتخور حاکم به اکثریت جامعه تحمیل شده را محکوم کردید. شما قاطعانه در مقابل تلاش دستگاه های سرکوب حکومت برای انحلال و تعطیلی کانون

نویسندگان ایستادید و علیرغم دستگیری‌ها و تهدیدهای هر روزه کوتاه نیامدید. شما نشان دادید که دستگیری اعضای هیئت مدیره کانون و احضار تعداد دیگری از اعضای کانون راه به جایی نخواهد برد. شایسته است که جامعه با تمام قوا از شما و خواست هایتان حمایت کند. شما به درستی بر بند اول منشور کانون نویسندگان ایران تاکید میکنید که: "آزادی اندیشه و بیان و نشر در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی بی هیچ حصر و استثنا حق همگان است. این حق در انحصار هیچ فرد، گروه یا نهادی نیست و هیچ‌کس را نمی‌توان از آن محروم کرد."

ما نیز تاکید میکنیم که آزادی قلم، بیان و اندیشه، آزادی تولید و پخش هنر و ادبیات جزئی از حقوق پایه‌ای هر جامعه و جزء جدائی‌ناپذیر مبارزه علیه تمام نابرابری‌ها و فقر و محرومیت اکثریت عظیم مردم است. مبارزه‌ای که کل حکومت و نظام ضدانسانی جمهوری اسلامی را هدف گرفته است. کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری از مطالبات بحق شما که مطالبات کل جامعه است، قویا حمایت میکند و همه مردم، تشکل‌های مردمی و افکار عمومی جهانی را به حمایت از شما فرامیخواند.

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید!**

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت تلویزیون کانال جدید: www.newchannel.tv

سایت روزنه: www.rowzane.com

سایت کارگر کمونیست

www.wpiran.org/kargar_komonist

مرگ بر طالبان، P/۱۹
چه کابل، چه تهران

**NO TO TALIBAN REGIMES:
IN AFGHANISTAN,
IN IRAN**

حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران مجتمع مس سونگون در ورزقان ۱۲ پیام کنگره

کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران به شما کارگران مس سونگون ورزقان در استان آذربایجان شرقی که نزدیک به یک ماه است دراعتصاب بسر می برید، درود فرستاده و از اعتصاب باشکوه شما حمایت می کند.

امروز شنبه ۱۳ آذر ماه شماها دست به یک راهپیمایی باشکوه در دفاع از خواستها و مطالبات برحق‌تان زدید که نمونه ای از اتحاد و جلوه ای بزرگ ازهمبستگی کارگری در همه شرکت‌های زیر مجموعه مجتمع مس بود. ایستاده گی و پافشاری شما بر خواسته‌ایان و ادامه اعتصابات علیه سرمایه داران، و حکومت دزدان و کارفرمایان برای رسیدن به خواسته‌ایان شایسته بیشترین حمایتها می باشد. ما شرکت کنندگان در کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری، ضمن اعلام حمایت از اعتصاب باشکوه‌تان، به شما درود می فرستیم و خسته نباشید می‌گوییم.



روز شنبه ۱۳ آذر بیش از ۲۰۰۰ کارگر معدن مس ورزقان در پنجمین روز از اعتصاب شان، در یک اقدام اعتراضی سمبولیک بیش از ۱۰ کیلومتر راه پیمانی کردند.

در حین راهپیمایی و تجمع کارگران در مسیر معدن، یک دستگاه جرثقیل با سرعت بالا در جاده سرازیری به سمت تجمع کارگران حرکت کرد. امیدواریم که به کارگران صدمه ای وارد نشده باشد. هیچ بعید نیست که این کار توطئه کارفرما علیه کارگران بوده باشد.

اعتصاب با شکوه کارگران مس سونگون وارد پنجمین روز از دور جدید شده است. اعتراضات کارگران از اواخر آبان و در اعتراض به اخراج ۶۰ نفر از کارگران و همسانسازی حقوق ها آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. در دور قبلی اعتراضات کارگران شعار می دادند: همسانسازی حق مسلم ماست، کارگریک ایشرلیک، ذلته باش ایمریک، (کارگریم و کار میکنیم، در مقابل ذلت سر خم نمیکنیم)، فساد اقتصادی ریشه هر ذلت است.

کارفرمای معدن در طول این مدت تلاش کرده با وعده و وعید کارگران را سر بدواند. در دور قبلی اعتصاب کارگران تاکید کرده بودند که تا رسیدن به خواست هایشان دست از اعتصاب نخواهند کشید. اکنون اعتصاب کارگران با قدرت و



**راهپیمایی ۲۰۰۰ کارگر
معدن مس سونگون
ورزقان در پنجمین روز
اعتصاب**

کمیته آذربایجان حزب کمونیست
کارگری ایران

۱۳ آذر ۱۴۰۰، ۴ دسامبر ۲۰۲۱

پیام کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران به زنان و مردم افغانستان

بازگرداندن طالبان و امارت اسلامی در افغانستان بی شک یکی از بزرگترین فجایعی است که سرمایه‌داری قرن حاضر آفریده است و به مردم افغانستان و کل منطقه تحمیل کرده است. جهان با بهت و خشم، به سناریوی خونینی می‌نگرد که دولت آمریکا و متحدین آن با بی‌شرمی و قساوت بی‌مانند، در هماهنگی با حکومت سرپا فساد ارگ و سپیدار، یک کشور و سرنوشت میلیون‌ها مردم آنرا دو دستی تقدیم یک جریان وحشی تروریستی کردند. پس از بیست سال با صرف هزینه تریلیون دلاری و شعبده‌بازی سیاسی به نام پروسه "صلح و سازش" این هیولای ضدبشری را مجدداً به اریکه قدرت بازگرداندند! فروپاشی سریع و فوری حکومت دست ساز آمریکا و غرب بیش از پیش نشان داد که

این حکومت تماماً پوشالی بود و هیچ پایگاهی در میان مردم افغانستان نداشت و حتی مردم حاضر نشدند در برابر توحش طالبان هم کنار این حکومت قرار گیرند.

با روی کار آمدن توحش طالبان کشور عملاً شیرازه اش گسسته شد، هزاران نفر، از فعالین سیاسی و اجتماعی، زنان، هنرمندان، خبرنگاران، ورزشکاران، و رنگین کمانان به ناچار پا به گریز گذاشتند و آواره شدند.

اما علیرغم همه این فجایع، از همان روز نخست بازگشت امارت اسلامی، اعتراض جسورانه زنان، در سراسر کشور، در خیابانها به مصاف این هیولای درنده رفت و قدرتمند در مقابل طالبان ایستاد. راه نشان داد و سازمان ایجاد کرد. جنبش زنان علیه طالبان متولد شد و به نماینده اعتراض کل جامعه بدل شد!

اعتراضات جسورانه زنان و جوانان و خشم و نفرت عمومی مردم افغانستان به درستی نشان می‌دهد که طالبان در حقیقت

امر نه قدرتمند است و نه نفوذ توده‌ای و ریشه مردمی دارد. این خشم و نفرت می‌تواند و باید به نیروی اجتماعی عظیمی برای سرنگون کردن حکومت ترور و وحشت امارت اسلامی طالبان بدل شود. این تفرق، بخش مهمی از پتانسیل مقاومت در مقابل سلطه امارت اسلامی است.

آنچه صحنه سیاسی و این وضعیت فاجعه بار را تغییر خواهد داد، خیزش مردمی علیه حکومت طالبان است. امروز جنبش اعتراضی زنان افغانستان به نمایندگی کل جامعه به میدان آمده و علیه حکومت طالبان و زن ستیزی و فقر و بی‌حقوقی و مصائبی که به همه مردم تحمیل کرده است، ایستاده است. باید با تمام قوا به حمایت از جنبش زنان در افغانستان و در سراسر جهان پرداخت و حول آن بخشهای دیگر جامعه را حول پرچم سرنگونی حکومت طالبان، آزادی و برابری و سکولاریسم، فعال کرد و به میدان آورد. این اولین گام و مهمترین گام عملی است که در برابر نیروهای چپ و سکولار و همه مردم آزاده در افغانستان قرار دارد. حزب ما با تمام قوا

برای شکل‌دهی به یک جنبش رادیکال، سکولار و انسانی علیه طالبان می‌کوشد و از هر نیرویی که در این جهت گام بردارد فعالانه حمایت می‌کند.



پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱

اعتراض داشتیم نمی دانستم چه کاری می توانم بکنم فقط تلاش میکردم به دیگران هم بفهمانم که نباید ظلم را تحمل کرد همیشه درباره این نابرابری ها با دیگران صحبت می کردم میگفتم چرا باید حق ما را بخورند؟ وقتی انقلاب شد خوشحال بودیم در تظاهرات شرکت می کردیم به امیدی که ریشه ظلم کنده شود.

اما سهم ما همان فقر و گرفتاری و زندان شد. من از مادران دهه ۶۰ هستم که پشت در زندانها چه کشیدیم زور می گفتند و گردن کلفتی می کردند.

ما می دانستیم بچه هایمان برای دفاع از حق مظلوم زندانند و شکنجه میشوند. خیلی ها زیر شکنجه کشته شدند خیلی ها اعدام شدند و حتی جنازه بچه ها را تحویل مادران نمی دادند

و چه کسی از دل خون مادران خبر داشت جمعه ها خاوران چه محشری بود مادرانی از راههای دور هر کدام دو تا سه تا پنج تا بچه هاشونو کشته بودند و مادران اون دوران را تحمل می کردند چون می دانستند بچه ها برای هدفی زندگیشان را گذاشتند من سعی می کردم

همرام مادران باشم به آنها کمک کنم تا اونجایی که از توانم می آمد نابودی ظلم و نابرابری، آرزوی همه بچه هایی است که شکنجه شدند و کشته شدند و مادرانی که عذاب کشیدن و داغدار شدند ولی خسته نشدیم و امید داریم هر چند کار زیادی از من بر نیاید فقط با دیگران در باره حقمان صحبت میکنم میگم تا وقتی بترسیم حقمان را میخورند.

از این کنگره می خواهم که درست عمل کنید با فکر باز عمل کنید تا حقمون رواز اینها بتوانیم بگیریم و به خاطر اینهمه ظلمی که کردند محاکمه شوند، جوابگوی این همه تلفات و عذاب کشیدنها و جنایتهاشون باشند.

این آرزوی منه برای همه شما آرزوی موفقیت می کنم رخصانه ریحانه --

۲- پیام به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران. با سلامهای گرم به همه

داند. ما حضور تشکیلاتی و سازمانی خود را هر روز در اعتصابات و اعتراضات و تجمعات با در دست داشتن پرچم هدایت آنها اعلام میکنیم و سیاستها و تئوری های حزب را به عمل در می آوریم. حزب در داخل قدرتمند و سازمانیافته است. پس رفقا به پیش.

جمع هایی از اعضای حزب در شهرهای غربی کشور.

--

۳- پیام و قرار کبان رضایی کارگر نفت به کنگره

قبل از هر چیز تشکر میکنم از حزب کمونیست کارگری که همواره، صدای اعتراض ما کارگران نفت را انعکاس داده و به بهترین شکلی همراه و حامی ما بوده است. از جمله

موشکافانه مسائل ما را دنبال کرده و به معضلات گرهی مقابل راهمان جواب داده است. از کنگره حزب کمونیست کارگری درخواست دارم که به عنوان یک

قرار تصویب کند که با توجه به اهمیت و جایگاه اعتراضات در نفت به عنوان یک مرکز کلیدی کارگری، حزب به حمایت همه جانبه از مبارزات ما کارگران

نفت ادامه دهد و این کار را همچنان در لیست اولویت های خود قرار دهد.

ما کارگران شاغل در مراکز نفتی که سالهای طولانی در فضای خفقانی پادگانی نفت بسر برده ایم بیشترین نیاز را به حمایت شما دوستان و انعکاس صدایمان در کانال جدید و رسانه های حزب و در سطح جهانی داریم. ما در این مدت

دستاوردهای بزرگی داشته ایم و توانسته ایم از شرکت های پیمانی زالو صفت امتیازاتی بگیریم. ما هرچند که هنوز در

رفقای حاضر در کنگره و همه اعضای حزب در خارج و داخل. بسیار خوشحالیم و بر خود می بالیم که در این مجال به عنوان اعضای داخلی حزب پیام خود را به کنگره میفرستیم. ما بخود حق میدهیم که سرفرازان اعلام کنیم که حزب علاوه بر نفوذ اجتماعی بخاطر داشتن اعضای فراوان مشکل و سازمانیافته اش دارای حضور و نفوذی مادی شده است. این واقعیتی است که رییس کمیسیون امنیت مجلس خود حکومت نیز ناچار به اعتراف شده که این حزب، حزب سازماندهی اعتراضات است. ما امروز اعلام میکنیم که حزب از نظر تشکیلاتی و سازمانی قوی و گسترده شده است. حتما جریانات و اشخاصی هستند که چنین ادعایی از جانب ما را خود بزرگنمایی میدانند. ما چنین مخالفانی را سالهاست میشناسیم و حاشیه ای بودن آنها را در تحولات دیده ایم. بگذار کنار گود بنشینند و درماندگی و بی عملی خود با حملات هیستریک به ما جبران کنند. جریاناتی که توان و اراده تاثیر گذاری در تحولات درون جامعه نداشته باشند، برای ابراز وجود نیاز به چنین حملاتی



ابتدای راه هستیم ولی مسیر را پیدا کرده ایم و فقط به نیروی اتحاد خود تکیه داریم و باید بتوانیم صف خود را متحد نگاهداریم. من همین جا از همه همکارام در نفت و از همه کارگران میخواهم که به حزب کمونیست کارگری بپیوندند. به کنگره حزب کمونیست کارگری که بطور واقعی کنگره ما کارگران است پیام دهند. از اعتراضات و انتظارات خود بنویسند. کنگره

علنی است و میتوانیم همزمان

مباحث آنرا دنبال کنیم. در خاتمه من بعنوان یک کارگر نفت از حزب خود انتظار دارم که همچنان حامی ما کارگران نفت باشد و صدا و اعتراض ما را به جهانیان برساند.

کبان رضایی

با تشکر --

۴- پیام آرش برزای کارگری از نفت به کنگره

برگزاری کنگره دوازدهم حزب را تبریک میگویم. من یک کارگر نفت هستم و نقش و جایگاه حزب، بویژه نقش رهبری کننده آن از طریق

رهنمودهای عملی و سیاستهای روشن و شفاف آن و نیز بکارگیری همه جانبه تلویزیون کانال جدید در این جهت را در مبارزاتمان و بطور واقعی در جنبش اعتراضی

کارگری با تمام وجود لمس و تجربه کرده ام. از جمله پوشش رویتن مسائل کارگری در برنامه های تلویزیونی و میزگردهایی که بر سر

موضوعات گرهی مبارزات ما کارگران نفت و جنبش کارگری برگزار میشود و پوشش خبری مبارزات ما و کل جامعه نمونه های بارزی از آن است.

صفحه ۶

کارگران جهان متحد شوید!

پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب

صفحه ۵ کمنیست کارگری



دوستان، افتخار میکنم که عضو این حزب هستم و بطور ویژه بخاطر نقش مهمی که حزب ما در انعکاس صدای اعتراض ما کارگران نفت در سطح جامعه وحتى بین‌المللی داشته سپاسگزارم. دوستان، ما کارگران نفت سالهاست که بخاطر وجود پیمانکاران بی‌رحم و چپاولگر و نداشتن کوچکترین امنیت شغلی و نیز بخاطر قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی و کار در زیر شدیدترین فشارها و استعمار وحشیانه و فضای اطلاعاتی- امنیتی حاکم بر مراکز نفتی جانمان به لب رسیده است. امروز همه حرف ما اینست که دیگر بس است و بیش از این حاضر به قبول این توحش و بردگی نیستیم. همانطور که همگان در جریان قرار دارند ما کارگران سالی پر جنب و جوش و پر از اعتراضی داشته‌ایم و هم اکنون مراکز نفتی در تحرك و اعتراض است. کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی دو خواست کلیدی ما است. ما کارگران نفت همچنان انتظار بیشترین پشتیبانی‌ها را از شما عزیزان داریم. دوستان، این کنگره در شرایطی برگزار میشود

دوستان، افتخار میکنم که عضو این حزب هستم و بطور ویژه بخاطر نقش مهمی که حزب ما در انعکاس صدای اعتراض ما کارگران نفت در سطح جامعه وحتى بین‌المللی داشته سپاسگزارم. دوستان، ما کارگران نفت سالهاست که بخاطر وجود پیمانکاران بی‌رحم و چپاولگر و نداشتن کوچکترین امنیت شغلی و نیز بخاطر قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی و کار در زیر شدیدترین فشارها و استعمار وحشیانه و فضای اطلاعاتی- امنیتی حاکم بر مراکز نفتی جانمان به لب رسیده است. امروز همه حرف ما اینست که دیگر بس است و بیش از این حاضر به قبول این توحش و بردگی نیستیم. همانطور که همگان در جریان قرار دارند ما کارگران سالی پر جنب و جوش و پر از اعتراضی داشته‌ایم و هم اکنون مراکز نفتی در تحرك و اعتراض است. کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی دو خواست کلیدی ما است. ما کارگران نفت همچنان انتظار بیشترین پشتیبانی‌ها را از شما عزیزان داریم. دوستان، این کنگره در شرایطی برگزار میشود

پیام یک جمع از

بازنشستگان

ما یک جمع بازنشسته ایم. بازنشستگانی معترض و در صف یکشنبه‌های اعتراض که فریاد زدیم درمان رایگان حق مسلم ماست. حقوقهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد، فقط کف خیابان بدست میاد حتمون. بله ما پیام بازنشستگانی از کف خیابان به کنگره حزب کمونیست کارگری هستیم. با مشعلی که حزب بدست ما بازنشستگان داده، هر روز بیشتر

جلو رفته و پاسخ گرفته ایم و امروز صف اعتراض ما بزرگ و بنیان کن است. دوستان داریم و آرزوی کنگره ای را داریم که افق بازم روشنتری برای رهایی از حکومت سرمایه‌داری وحشی و به غایت ارتجاعی و دزد و جنایتکار در مقابل همه قرار دهد. ما مردم فقر و گرسنگی و تبعیض و نابرابری نمیخواهیم. یک زندگی در شأن انسان میخواهیم و کنگره حزب کنگره ماست که این آرمان‌های انسانی و سوسیالیسم را نمایندگی میکند. ما به نوبه خود تلاش میکنیم که دوستان هر چه بیشتری را با این حزب آشنا کنیم. همه حرف ما به مردم در این مقطع حساس از مبارزه اینست که به این حزب بپیوندند. حزب اعلام کرده است که کنگره علنی است. از همه کسانی که دردی دارند و در جستجوی کاری هستند کارستان، اینست که مباحث این کنگره را دنبال کنند.

زنده باد حزب کمونیست کارگری --
۶- پیام رها مبتکر معلمی از ایران

برگزاری کنگره دوازدهم حزب را تبریک میگویم. من یک معلم هستم. سالهاست با کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری در تماسم. بخاطر دارم که در آن اولین دوره های اعتصابات و تجمعاتمان عده ای جلو افتاده بودند که با عنوان تجمع سکوت سعی داشتند ما آرام بیاییم و برویم. و با شعارهایی چون سکوت ما فریاد ماست، ما از فقر نمی نالیم، ما از فرق می نالیم میخواستند بقول خودشان اعتراض مسالمت آمیز باشد و موضوع آنرا را در چهارچوب همسان سازی حقوقها محدود نگاهدارند. حتی جاهایی با صلوات وارد میشدند. روزهای معلم هم برنامه را میگذاشتند در پای مزار مطهری که در عین حال لیبکی هم به نظام داده باشیم. در این میان عده ای کنار ایستاده و تماشا میکردند و میگفتند که این ها همه کار خود حکومتی هاست و به ما بیربط است. اما من رزمندگی را از حزبم آموختم و یاد گرفتم که خیر اتفاقا باید به کف خیابان رفت و همه اینها را با حضور معترض خود کنار زد و حرف و صدای اصلی معلم حق طلب را فریاد زد. بدین ترتیب ما با این سیاست که خیابان از آن ماست وارد کل این ماجرا شدیم و موفق شدیم. ما توانستیم صلوات را از خیابان جمع کنیم. با شعارهایی چون هم از فقر مینالم، هم از فرق و با فریاد شعارهایمان از تجمع سکوت آنها عبور کردیم. بدنه معلم نیز که فقر و تبعیض و اختلاس و بی‌تامینی را با تمام وجود چشیده بود بدنبال ما آمد.

به حزب کمونیست کارگری ایران

پیوندید!

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91



جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود!



اینگونه بود که ما خیابان ها را تصرف کردیم. شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست را به هویت اعتراضی معلم تبدیل کردیم. و با اعتراضات سراسری خود مهر خواست تحصیل رایگان را بر راس خواستهای کل جامعه کوبیدیم. علیه امنیتی کردن مبارزات بیخاستیم و خواستار آزادی همکاران دربند و همه زندانیان سیاسی شدیم. و در ادامه این اعتراضات در همین سال جاری در بیش از ۴۵ شهر به خیابان آمدیم. من به عنوان یک عضو حزب در قدم به قدم این مبارزه حزب کمونیست کارگری را می بینم. نکته اینجاست که امروز ما در یک قدمی تثبیت خواستهای سراسری معیشتی ای چون تحصیل رایگان و درمان رایگان برای همه و حق داشتن مسکن هستیم همچنین ما یک نیروی مهم جنبش علیه فقر با خواست افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون هستیم. از حزب کمونیست کارگری انتظار داریم در این مقطع حساس از مبارزه همچنان پشتیبان و چراغ راه ما باشد. زنده باد حزب

--

-۷-

پیام به کنگره حزب کمونیست کارگری

من کارگر نیشکر هفت تپه هستم و از طرف خود و سه نفر از دوستان برگزاری کنگره را تبریک میگویم. ۵ سال است که علیه بساط باندها مافیایی اسدیگی و در دفاع از زندگی معیشتمان در جنگی سخت بسر میبریم و حزب کمونیست کارگری همیشه در کنارمان بوده است. راهنمای ما بوده است. صدای اعتراض ما در میان مردم و در سطح جهان بوده است. برگزاری کنگره را مناسبتی می بینم که صمیمانه از شما عزیزان و از اینکه حجم بالایی از برنامه های تلویزیون کانال جدید به انعکاس اعتراضات ما و همبستگی با ما اختصاص داشت تشکر و سپاسگزاری کنیم. دوستان ما در نبردی که ۵ سال است به پیش میبریم تا همین جا موفقیت های مهمی داشته ایم. ما موفق به خلع ید از باند اسدیگی و کشیدن این دار و دسته مافیایی به پشت میز

محاكمه شدیم. ما گفتیم که مالکیت شرکت باید تحت نظارت شورایی باشد و وقتی با مانع تراشی ها روبرو شدیم خودمان وارد عمل مستقیم شدیم. دست به کار مدیران فاسد شدیم. ما انحلال عملی شورای اسلامی را اعلام کردیم. مجمع نمایندگی منتخب مجمع عمومی ۵ هزار نفره خود را بعنوان ابزار اعمال نظارت شورایی اعلام کردیم و امروز در موقعیت بسیار قویتری مطالباتمان را پیگیری میکنیم و آخرین پیشرفت ما بازگشت بکار دو نفر از همکاران اخراجی مطالبه گر و تمدید قراردادهای همکاران فصلی و غیر نیشکر ماست. ما با این قدرت پیگیر مطالبات پاسخ نرفته خود هستیم. دو همکار اخراجی دیگر ما اسماعیل بخشی و سالاری هنوز به کار بازنگشته و ما مصمم به ادامه اعتراض تا بازگرداندن این دو عزیز و مخومه اعلام شدن پرونده خانم فرزانه زیلابی وکیل دلسوز خود و دیگر مطالباتمان هستیم. دوستان، تشکل مجمع

عمومی و مجمع نمایندگی منتخب آن تجربه ایست که در هفت تپه کارایی خود را به روشنی نشان داد و موضوعیت دارد که کنگره بر تکثیر این شکل موثر سازماندهی کارگری تاکید کند.

دوستان، ما شورای اسلامی را عملاً منحل اعلام کردیم. جا دارد کنگره بر انجام این کار در سطح سراسری و بیرون انداختن نیروهای سرکوبگر حکومت از محیط های کارگری تاکید بگذارد.

و بالاخره اینکه دوستان ما در این مسیر پر از دست انداز مبارزه با کمونیسم و با حزب آشنا شدیم. نوع دیگری از کمونیسم را تجربه کردیم. کمونیسمی دخالتگر و حاضر در میدان عمل، کمونیسمی که در نبرد تن به تن تکلیف راست و چپ را روشن میکند و قلب جامعه را با خود دارد. دوستان، شما همیشه از درسهای نیشکر هفت تپه برای جنبش کارگری و کل جامعه حرف میزنید. جا دارد که ما هم از درسهای حزب کمونیست کارگری و نقش راهبردی اش بگوییم.

کارگران، حزب کمونیست کارگری حزب همه ماست. به آن بیبوندید. از دردها و مشقات و انتظاراتان برای کنگره ای که در پیش است بنویسید. کنگره حزب در پیش است و میتوانید مباحث آنرا دنبال کنید. زنده باد حزب کمونیست کارگری.

مرتضی حیدری و دوستان

--

۸

خطاب به کنگره حزب کمونیست کارگری!

من یکی از اعضای خانواده رنگین کمانیها در ایران هستم. کسیکه از ابتدای درکم نسبت به انتخاب جنسی خودم از هر طرف تحت فشار بودم. حتی از خودم باید مخفی میکردم. انقدر تحقیر شدم و آزار دیدم که شاید برای هیچکس قابل تصور نباشد. به زور میخواهند وادارم کنند تغییر جنسیت بدهم. به خاطر نازک بودن صدایم و به خاطر تمایل به رنگهای شاد چنان عذابی را متحمل شدم که سه بار اقدام به خودکشی کردم. به زور و علی رغم میل خودم ازدواج کردم و بچه دار شدم. فرزندم هم تحت فشار است. او



ترین و بی رحم ترین جنبش های ارتجاعی قایم شده است. مومیایی ها و فسیل ها را به جلو صحنه رانده اند تا هر چه دستاورد بشری است نابود کرده باشند. حزب کمونیست کارگری ایران اما قصد کرده است همه این جرثومه های پلشت تاریخ طبقاتی را از جامعه بزدايد. برای این مهم حزب کمونیست کارگری ایران وعده بعد از سقوط نمی دهد. منتظر نمانده که روزش برسد. بلکه همین امروز، همین لحظه، هر جا که دستش برسد و توانش اجازه می دهد در مبارزه علیه رژیم اسلامی سرمایه که دستپخت بورژوازی جهانی است و به هر شکلی در این چهار دهه زیر بغلش گرفته پیشگام است. برای هر چه که منزلت انسانی محسوب می شود در صف مقدم است و به همین سبب چهره ای انسانی به سیاست بخشیده است.

"در مقابل حکومت نماینده جامعه هستیم" در جایی مطرح می شود که از سوی کرامت و منزلت انسانی جامعه به طرز وسیع و همه جانبه ای نابود شده است. حکومت از گور برخاسته جمهوری اسلامی حیاتش به نفی و نابودی شرافت انسانی وابسته است. در این زمینه اصلا کوتاهی نکرده است. و از سوی دیگر در تکمیل نابودی منزلت

خودی لنین است. قصد از این مقایسه نه آنچنانکه که مارکس می گفت مدد گرفتن از ارواح گذشته در دوره های بحران انقلابی نیست، نام هایشان را نیز به عاریت نمی گیریم و نمی خواهیم به زبان عاریتی، بر صحنه جدید تاریخ ظاهر شویم. بار سنت همه نسل های گذشته با تمامی وزن خود بر مغز ما سنگینی نمی کند؛ ما میراث دار نسل های گذشته نیستیم. بدعکار هیچ جنبش تاریخی نیستیم. ما خود مانیم. ما کمونیست کارگری هستیم که سنگهای خود را از جنبش های که در حاشیه زنده اند واکنده ایم و تفاوتهایمان را روشن و شفاف و صریح گفته ایم. ما جنبشی هستیم به شدت خودآگاه. اگر در مقام مقایسه باشد بقول منصور حکمت ما را باید با بلشویکها قبل از انقلاب اکتبر مقایسه کرد آنوقت مشخص میشود که به پشتوانه بیش از چهار دهه مبارزه نظری و عملی خیلی روشن تر و سراسرتر و صریحتر و عملی تر رادیکال تر در صحنه جدید تاریخ حضور داریم و قصد داریم با رنگ انسانی زدن به آن تاریخ ساز باشیم.

طرف مقابل، بورژوازی اما کاملاً چهره ضد انسانی بخود گرفته است و در پشت شیخ

رد پای ما در بیشتر بیانیه ها و کنش های سیاسی داخل ایران نمایان است از بیانیه آزادی، شکایت از خامنه ای علیه کشتار جمعی کرونا، میتوان دید در نقش بستن شعار «محاکمه آمرین و عاملین» جنایت های حکومت و فریاد «نه می بخشیم و نه فراموش میکنیم» (بر پرچم دادخواهی اثر گذار بوده ایم.

در کمک رسانی به خانواده های زندانیان سیاسی و بلند کردن صدای اعتراضات آنها تلاش کرده ایم. و در یک کلام هر کجا اعتراض هست پرچم یک دنیای بهتر را برافراشته ایم و حاصل نبردهای هر روزه مان این است که ما در فضای سیاسی داخل ایران جا و مکان داریم. ما جمع یک دنیای بهتری!

--

۱۰

پیام به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران

یاشار سهندی
با درودهای بی دریغ رفقا

گفتن ندارد که ما در چه موقعیت مهم تاریخی هستیم و به نظر من پراتیک حزب بر متن تزی که در دو ساله اخیر مطرح بوده یعنی "در مقابل حکومت ما نماینده کل جامعه هستیم و رو به جامعه نماینده طبقه کارگر" یعنی وقوف بر همین امر.

"تفنگها به طرف بورژوازی خودی" این بیش از آنکه یک شعار باشد یک تز تاریخی بود، شاید مهمتر از تره های آوریل که لنین ارائه داد. درستتر بگویم بر مبنای این شعار تره های آوریل شکل گرفت و بلشویکها نهایتاً توانستند قدرت سیاسی را به کف آورند. به نظر من تزی که حمید تقوایی ارائه کرده دارای اهمیت تاریخی در همان حد تز تفنگها به طرف بورژوازی

سازی های ننگین حکومت را در خیابان فریاد زدیم: «مستند؛ شکنجه دیگر اثر ندارد!»

ما با ایمان به یک دنیای بهتر که می تواند پاسخ تمام معضلات جامعه ایران باشد خود را به منشا اثر در بسیاری از اعتراضات بدل کردیم و سنگرهای مهمی را در جنگ با حکومت تجاوز، شکنجه، اعدام فتح کرده ایم.

ما به سهم خود در شکل گیری و جهت دهی مطالبات معلمان و بازنشستگان نقش اساسی داشته ایم. در برافراشته شدن هر چه باشکوه تر پرچم اول ماه مه و هشت مارس نقش داشته و صدای سنگر هفت تپه را سرتار کردیم

گاهی حکومت ننگین جمهوری اسلامی را به غلط کردن انداختیم و جایی برای نبردهای بعدی مشکل تر شدیم. گاهی در خیابان؛ گاهی در طوفان های تویتری و گاه در زندان دستی بر آتش داشته ایم. در کمپین های امدادرسانی تا سواد آموزی حضور داشتیم و در کمک به مهاجرین و دفاع از حقوق انسانی آنها تلاش کردیم. از آنجا که انقلاب ایران رنگ زنانه دارد و حضور زنان در تمامی عرصه های اعتراض، نماد شکست آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی بوده است؛ ما در زنانه شدن صف مقدم اعتراضات نقش داشته و از آن حمایت کرده ایم.

در دفاع از ورزش زنان و حق آوازخوانی زنان و دفاع از جنبش رنگین کمانی ها شریخش بوده ایم. ما دختران انقلاب را تکثیر کرده ایم و صدای قربانیان تجاوز شده ایم. ما توانستیم تابوهای زیادی را در جنبش های مبارزاتی بشکنیم.

را هم تحقیر میکنند که پدرت صدایی نازک و زنانه دارد. خودم را در مقابل فرزندم گناهکار میدانم.

صدایم را بشنوید! فریاد گره شده در گلویم باشید. حزب کمونیست کارگری باید بتواند حقوق من را به عنوان یک رنگین کمانی نمایندگی کند و حق مرا طلب کند. انتظار من از شما این است که تلاشتان برای دگرگونی جامعه ایران را دو چندان کنید. از طریق تلویزیون شما امیدم به انسانیت و شهامت برای بلند کردن صدایم بیشتر شد. برایتان کنگره خوبی ارزو میکنم. یک رنگین کمانی از ایران

۹

پیام از جمع یک دنیای بهتر به کنگره ۱۲

برگزاری دوازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران را به همه انسانهای شریف و آزادیخواه؛ به همه کمونیستها و به طبقه کارگر ایران تبریک می گویم!

رفقا سلام

بسیار خوشبختیم که در چنین روزهایی پرالتهاب جامعه ایران با برگزاری هرچه باشکوه تر این کنگره خود را برای نبرد نهایی با سیاه ترین حکومت سرمایه آماده می کنیم. این کنگره صف آرای کل جنبش اعتراضی مردم ایران است و ما در تمامی عرصه های مبارزه از معلمان تا بازنشستگان؛ از زنان تا جنبش علیه اعدام؛ از صف دادخواهی تا کودکان کار ریشه دوانده ایم.

این کنگره طنین کوبنده گام های طبقه کارگر ایران است که پرچم رهایی انسان را برافراشته است. ما از حزبمان آموختیم چگونه یک انسان را از چند قدمی طناب دار نجات دهیم. ما جواب اعتراف گیری و مستند

انسانی، این حکومت معیشت ۹۹ درصد جامعه را امروز بیشتر از دیروز روبه نابودی سوق داده. هر بخشی از جامعه به دلیلی در میدان مبارزه است با نفرتی عمیق از جمهوری اسلامی؛ که به واقع این نفرت، نفرت از سرمایه است و این حکومت نماینده اسلامی آن است.

اپوزیسیون راست معیشت مردم مسئله اش نیست تنها خواستار طلوع بامدادان از پشت رشته کوههای فلات ایران است! و منزلت را در دایره‌های بس تنگ محدود می‌سازد، در حد اعتبار پاسپورت! به همین سبب نمی‌تواند نماینده کل جامعه در مقابل حکومت باشد. جامعه ایران تشنه رسیدن به موقعیتی است که شأن و منزلت انسانها به ضخامت کیف پول و پینه پشانی ریاکاران بستگی نداشته باشد. حزب کمونیست کارگری ایران سوسیالیسم اش را بازگشت به انسان و رهایی انسان تعریف کرده و عملاً آنرا پراتیک می‌کند. "رو به جامعه نماینده طبقه کارگر هستیم؛" بی هیچ توهمی حزب کمونیست کارگری خود را حزب طبقه کارگر می‌داند و

طبقه کارگر را طبقه ای معرفی نمی‌کند که گویا فقط دنبال منافع صنفی خود است و مبارزه با استثمارگران را در محدوده کارخانه تعریف نمی‌کند. اگر این طبقه قرار است رها شود باید کل جامعه آزاد شود. و برای آزادی کل جامعه این طبقه باید نشان بدهد که همه آن چیزهای که نشاط و رفاه یک جامعه را تضمین می‌کند با مبارزه او ممکن است و حزب کمونیست کارگری این ممکن را نمایندگی می‌کند.

رفقا

جامعه ایران به شدت تشنه رفاه و منزلت و کرامت انسانی است. کنگره پیش رو باید در راستای تز فوق کار خود را به پیش ببرد. حال که بالاترین ارگان سازمانی حزب بواسطه اینترنت و رسانه های اجتماعی و ماهواره در دسترس وسیعتر جامعه است این باور باید به جامعه شناسانده شود که حزب کمونیست کارگری ایران نه تنها معیشت و رفاه و منزلت و کرامت انسانی را حق مسلم مردم به رسمیت می‌شناسد بلکه

شدنی ترین حق می‌داند.

یاشار سهندی

--

۱۱-

عزیزان سلام

کنگره ای به وسعت ایران، کنگره ای که از قلب داغدیده ها، در نتیجه کارزارها و فعالیت های انقلابیون راستین به قلب ما انسانهایی که زیر ستم، زیر کار و زندگی له شده ایم و امیدوارمان می‌کند. خوشحالم که اجازه دارم این چند کلمه را خطاب به شما عزیزان بنویسم.

مردم ایران اسیر و بازیچه

دست یک عده آدمکش و جنایتکار حرفه ای شده اند. اما سر خم نکرده اند. همین کنگره نشان می‌دهد شماها که فرزندان مان هستید نشان داده اید که باید امیدوار باشیم.

و ما امیدوار هستیم چون فرزندانمان انقلابیونی هستند که به کم رضایت نمی‌دهند. ما امیدوار هستیم زیرا که حزب کمونیست کارگری امروز حزب پرجمعیت و در قلب خانواده ها و در قلب ما رسوخ کرده است.

خسته نباشید عزیزانم
جمشید محسنی معلم
بازنشسته و فعال بیانیه آزادی از
طرف تمام خانواده

۱۲-

دوازدهمین کنگره حزب
کمونیست کارگری مستحکم
باد

با یاد رفیق از دست رفته عمو
قاسم مهربان، بادش گرامی

من یک معلم بازنشسته
هستم که در کنار صدها هزار
معلم بازنشسته پرچم مطالبات
معیشت، درمان رایگان و
تحصیل رایگان را برافراشته نگه
داشته ایم.

من یک معلم از صفوف

اعتراضات بوده ام و در کنار بسیاری از رفقای حزبیم پرچم یک دنیای بهتر را در مطالبات صنفی مان به اهتزاز در آورده ایم. چرا که برنامه یک دنیای بهتر حرف دل جامعه امروز ماست و به دلها نشسته است.

امروز میلیونها انسان در جدال هر روزه خود علیه بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری وحشی حاکم این برنامه را به عنوان نیاز اصلی زندگی فریاد می‌زنند.

دوستان! امروز در شرایطی این کنگره را برگزار میکنیم که صدها هزار عزیز در رابطه با بیماری کرونا جانشان را از دست داده و کودکانشان بدون داشتن سرپرست و در غیاب وجود حکومتی مسئول، آواره و سرگردان خیابان گشته اند و این در حالی است که سردمداران حکومت، خود از با کیفیت ترین واکسن برخوردار بوده اند. ولی کارگران و زحمتکشان نه تنها از این واکسن ها محروم هستند بلکه فشار هزینه درمان کرونا بسیاری از خانواده ها را متلاشی و به خاک سیاه نشانده است. بعلاوه حکومت خود دارد از ورشکستگی اقتصادی اش میگوید.

اقتصاد مقاومتی، راه حل سرمایه‌داری در ایران در برابر بن بست اقتصادی ای که در آن دست و پا میزنند و برای خریدن عمر برای خود است و مستقیماً زندگی ما کارگران و ما مردم را هدف قرار داده است. از همین رو امروز جنگ ما کارگران، ما معلمان، ما بازنشستگان و ما مردم معترض با حکومت جنگ برای حفظ بقاء و رهایی از کل این بساط فقر و گرسنگی و تبعیض و نابرابری است. جنگ بر سر حرمت و داشت کرامت

انسانی است.

در چنین شرایطی است که کارگران از هفت تپه و نفت تا فولاد و معادن .. از معلمان و بازنشستگان تا مالباختگان و پرستاران و ... برای خواسته های معیشتی در میدان هستند. کنگره ما صدای اعتراض ما کارگران، ما معلمان و ما نود و نه درصدی های جامعه است. سخن من رو به جامعه و همه همکارانم اینست که تنها راه برون رفت از این وضع فلاکت بار به قول رفیق حمید تقوایی به عملکرد ما در میدان جامعه و متشکل شدن ما در حزب کمونیست کارگری بستگی دارد و این آغاز راه است

رها ثابت

--

۱۳-

پیام به کنگره ۱۲ حزب
کمونیست کارگری

به یکایک عزیزان حزب کمونیست کارگری سلام دارم و امیدوارم این کنگره هرچه پربارتر باشد. برای همگی مان واضح است که شرایط امروز ایران از هر نظر چه اندازه خطرناک است. تمام امیدم به برنامه ها و راهکارهای حزب مان هست که شهادت می‌دهم، شناخت و محبوبیتش در جامعه هر لحظه فزونی می‌گیرد. مطمئنم حزب کمونیست کارگری با درک عمیق شرایط را سنجیده و همچنان پیشرو و متفاوت با سایر جریانات سیاسی خواهد بود.

رامین نادری

--

۱۴-

دوستان و رفقای گرامی و
عزیز:

سلام و تبریک مرا پذیرا
باشید!





دوازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری را به اعضای محترم حزب و تمام مردم ایران که خواهان آزادی و برابری و برقراری سوسیالیسم و یک جامعه مدرن و مترقی و بدون از هر نوع تبعیض جنسیتی و شغلی مزدی و بردگی فرهنگی و مذهبی... هستند، تبریک میگویم به تمام مسئولین و تمام آزادیخواهانی که در این عرصه تلاش بی وقفه داشته اند و تا برقراری و سرنگونی این رژیم سرپا خونریز و جانی از پای ننشسته و به تلاش و کوشش خود همواره ادامه داده اند راهشان پر رهرو باد و همچنان این راه را ادامه میدهیم تا یکبار دیگر سرود آزادی و شادی در کشور ایران طنین انداز باشد.

ندا ایرانی

--

-۱۵-

با درود به کنگره حزب کمونیست کارگری

من یک زن افغان هستم که یک ساله بودم و به همراه خانواده به کشور ایران پناهنده شدیم. حال سالهاست در این کشور زندگی می کنم، زندگی که چه بگویم، زندگی که از بسیاری از آزادی ها، از امکانات و حقی که باید داشته باشم محروم هستم.

اگر درسی بخوانیم و ادامه تحصیل دهیم به خاطر اتباع بودن، در رشته تحصیلی که علاقه داریم نمی توانیم ادامه تحصیل بدهیم.

یک زن تا وقتی که ازدواج نکند و متاهل نباشد و یا کارت اقامت و پاسپورت نداشته باشد حتی از گرفتن گواهی نامه رانندگی محروم است. حق داشتن خانه و ماشین نیز نداریم. خودم پس از سالها زندگی در ایران اقامت ندارم و با هزار مشکل روبه رو هستیم.

نه حق بیمه، و نه حق گرفتن حتی یک سیم کارت، نه حق کار در ادارات و دفاتر دولتی و

حتی خصوصی. تنها کاری که یک زن مهاجر می تواند انجام دهد تا لقمه ای نان به خانه بیاورد خیاطی، آرایشگری، نظافت منازل دیگران و یا دستفروشی است.

به چه جرمی باید با ما اینگونه رفتار شود! به جرم اینکه پناه آورده ایم؟ از جنگ و خونریزی انتحاری، فقر و بیکاری و گرسنگی!

به کشور همسایه پناه آورده ایم تا فرزندانمان با این همه جنگ و کشت و کشتار رو به رو نشوند اما وقتی که می بینم باز هم تبعیض نژادی باعث شده که با مشکلاتی دیگر روبه رو بشویم قلبم به درد می آید.

من از بینندگان کانال جدید هستم و از این طریق شما را پیدا کردم. حق شهروندی برای ما در ایران با حاکمیت جمهوری اسلامی یک رویاست و این حق تنها در یک دنیای بهتر محقق می شود دنیایی که انسانها از همه هويت های قومی و ملی و نژادی رها شده باشند و تنها هويت انسانی ملاک هر شهروند باشد.

ما به امید دنیایی بهتر برای خود و نسل آینده تلاش می کنیم. تا دنیایی بدون مرز، دنیایی

بدون تبعیض، دنیایی برابر بدون هیچ اختلاف طبقاتی به وجود بیاوریم.

انسان و انسانیت مرز نمی شناسد.

شعله پایدار

--

-۱۶-

به نام آزادی!

با درود و سپاس از کنگره که صدای ما بی صدایان است. من از کنگره میخوام صدای مرا به بلندای چهل و چند سال که در گلو حبس شده به گوش کسانی که دادخواهی را پاس میدارند برسانند. من یکی از هزاران دادخواه هستم. دادخواه خونهای به ناحق ریخته شده جوانان نخبه و رشدی که مظلومانه، معصومانه و غریبانه بدون نام و نشان در گورهای دسته جمعی به جرم آزادیخواهی تیرباران شده و دفن شدند. دادخواهم، دادخواه از کشوری که خود را مهد حقوق بشر و دمکراسی میداند. ولی این در حالیست که یک جنایتکاری به نام محمد جعفر محلاتی که دستش به خون جوانان این مرز و بوم آغشته است در دانشگاه این کشور تدریس میکند. من دادخواهم دادخواه تمامی خونهای به ناحق ریخته شده برداران و خواهرانی هستم که پس از چهل و چند سال سکوت

فقط به جرم آزادی فریاد زدند تیرباران شده و دفن شدند. امیدوارم این کنگره صدای ما بیصدایان باشد.

با سپاس

میترا یارمحمد خواهر از جانب‌آختگان سال ۶۱، مهندس نعمت الله یارمحمد توسکی محل دفن قطعه صد بهشت زهرا

-

-۱۷-

با درود های گرم و کمونیستی

خوشحالیم که برگزاری دوازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران را به رفقای رهبری، کادرها، اعضا و دوستان حزب شادباش می گوئیم.

امیدواریم کنگره دوازدهم حزب ما بتواند- که می تواند- برای جنبش هایی که با هدف سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران در میدان های مبارزه قد برافراشته اند، برنامه و راه حل های عملی و کارسازتری را پیش پای فعالان و مردم قرار دهد.

از کنگره ی یازدهم تا این کنگره، گام های بلندی از سوی

خواسته من و فکر میکنم اکثریت مردم ایران سرنگونی این حکومت ظالم و برقراری پرچم سوسیالیسم در ایران و اجرای قانون در مورد حقوق پایه ای در تمام موارد است که در شان حقوق انسانی تعریف شده است.

رفع بیکاری و گرانی و برقراری بیمه کامل برای تمام مردم و تحصیل رایگان و قابل قبول برای تمام دوران تحصیلی از کودکان تا پایان دبیرستان و همچنین در دانشگاه ها امکان برخورداری تمام اقشار مردم با حفظ علاقه مندی و استعدادها که نیاز یک کشور پیشرفته است.

با امید به ساختن کشوری پیشرو و صنعتی از هر لحاظ و ارتباط و مبادله دانش و دانشجو برای ساختن ایرانی نو، آزاد آباد و سربلند!

با تشکر از تمام دوستان و رفقای دست اندر کار در برگزاری این کنگره



رقم خواهد زد. حزب ما توانسته در سطح علنی از طریق کانال جدید و مدیای اجتماعی و همچنین در میدان نبرد و مبارزه هر روزه به جامعه و مردم بگوید که سوسیالیسم عین انسانیت است. این شاخصه حزب ماست امروز جامعه خوب اینرا میداند که کمونیسمی وجود دارد که به هر چیز کار دارد و در

اعتراض و مبارزه ای که علیه ستم و ظلم باشد صف خواهد بست. ما در جامعه ای که ظلم، ستم، فقر، شکنجه، بیداد میکند و هر روز مردم را به دار آویخته و زندانی میکند راهی جز مبارزه و حکومت شورایی و سازماندهی نخواهیم داشت. با تکیه بر رهنمودهای حزب و فعالین در داخل صف متحدانه خود را در برابر رژیم جنایتکار و کثیف رقم بزنیم.

عزیزان حاضر در کنگره و همه دوستداران آزادی و همه مردم رنج دیده از شما می خواهیم با تلاش بیشتر و همت گسترده و همه جانبه حکومت ایران را به زیر بکشیم. چون نه تنها مردم ایران بلکه مردم جهان و منطقه هم با نابودی این رژیم آرام خواهند گرفت. در پرتو سیاست ها و برنامه های حزب میتوانیم گام های بلند و بزرگ را برای یک انقلاب انسانی برداریم.



مردم و حزب ما بسوی سرنگونی برداشته شده است و متاسفانه حزب پرافتخار ما، تئو چند از یاران و رهبران خود را از دست داده است که جا دارد همینجا یکبار دیگر یاد عزیزان خوشنام و از دست رفته مان رفقا، فریده آرمان، نازنین برومند، بهروز مهرآبادی و قاسم کریمی (فراز آزادی) را گرامی بداریم.

رفقا!

ما از هم اکنون و از راه دور، اما با دل های نزدیک، دست های توانمند شما را به گرمی و اتحاد می فشاریم و کنگره ای راهگشا و موفق را آرزو می کنیم.

واحد حزبی فردای بهتر

--

-۱۸-

پیام به کنگره

سلام گرم و امیدوار کننده ما را از شهرهای اعتراض و مبارزه، از درون هفت تپه قهرمان، از خیابانهای اهواز و شوش، اصفهان، تهران، بوشهر، مازندران، سنندج و غیره، و در کل جنبش عظیمی که عزم خود را جزم کرده است حکومت اسلامی سرمایه داران را سرنگون کند پذیرید.

متاسفانه شرایط به گونه ای هست که نمیشود در کنگره

ازدواج کودکان به نوعی برده داری جنسی است. کودکانی را که باید تفریح و شادی کنند، تحصیل کنند و از زندگی لذت ببرند زیر بار زندگی زناشویی و بارداری های خطرناک که گاهها منجر به مرگشان می شود، هستی شان تباہ می گردد.

ساسان بیگلری
زننده باد حزب کمونیست
کارگری ایران
زننده باد سوسیالیسم
--
-۱۹-
رفقا سلام

به امید روزی که زن ستیزی، کودک آزاری، کودک همسری و مصیبت هایی از این دست از زندگی زنان رخت بر بندد.

دوازدهمین کنگره حزب
کمونیست کارگری ایران را
تبریک می گویم.

خوشحالم که در این برهه از تاریخ همراه و همگام با شما هستم و خود را در کنار شما می بینم. ما با هم توانستیم کارهای بزرگی را به سامان برسانیم و پایه های جمهوری اسلامی را کاملاً سست کرده، منتظریم تا با حرکت جمعی و تقویت جنبشهای اجتماعی به سرنگونی حکومت جنایت سرعت بخشیم.

در همین راستا پرچم کارزار اجتماعی "نه به ازدواج کودکان" را به دست گرفتیم و مبارزه علیه این معضل بزرگ اجتماعی را به گفتمان روز تبدیل کرده ایم به طوریکه حکومت به ضد و نقیض گویی افتاده است.

فقر عامل اصلی ازدواج کودکان است. کودکان توسط خانواده و با پشتیبانی قوانین ارتجاعی ضد زن، فروخته می شوند تا بخشی از نیازهای زندگی شان را تامین کنند و یک نان خور از سفره شان کمتر شود!

حزب ما با برافراشتن پرچم "کودکان مقدمند" گامهای عملی بلندی را به سوی حقوق کودک و اجتماعی کردن مبارزه برای آزادی و رفع تبعیض علیه کودکان به جلو برداشته است. طوری که امروز کمتر کسی است که حقوق کودکان را نشناسد و آن را بر منافع و مصلحت های سیاسی مقدم نداند. تنها در دنیای بهتر است که حرمت و کرامت کودکان ارج نهاده می شود و کودک می تواند فارغ از هر جنسیت و قومیتی به حقوق انسانی خود دست یابد.

زننده باد یک دنیای بهتر
زننده باد سوسیالیسم

نیلوفر رادمهر

-۲۰-

پرتوان باد دوازدهمین
کنگره حزب کمونیست
کارگری



رفقا سلام

ایم، به طوریکه برای جمهوری اسلامی راهی جز زباله دان تاریخ متصور نیست!

در این سالیان آنچنان در زدودن نقاب از چهره خونبار واژه «ناموس» گام برداشته ایم که هر جنایت ناموسی با فریاد اعتراض متحد جامعه مواجه میشود و فرهنگ ضد زن، که سالها توسط حاکمان به جامعه پمپاژ شده را رسوا کرده ایم.

دستان را به گرمی می فشارم و افتخار میکنم در بزرگترین نشست حزب کمونیست کارگری حضور دارم. این کنگره ما را فرامیخواند تا با گامهای هر چه استوارتر، بساط اختاپوس جمهوری اسلامی را جمع کرده و برای ساختن یک دنیای بهتر قدم برداریم!

من از کارزارها و جنگ های هر روزه زنان با حکومت جانین اسلامی سخن میگویم. جنگی که در آن خود را به زره حزب داشتن مسلح کرده ایم و با تکیه بر رهنمودها و سیاستهای حزبمان توانستیم پراتیک جاری و مستمر نبردهای خیابانی زنان را سازمان داده و به مطالبات زنان هویت بخشیده و پرچم آنرا بدست بگیریم.

از چکمه ها و ساپورت های زنان که موضوع بحث و جدل مجلسیان اسلامی شد تا ناخن های لاک زده و موهای افشان دختران انقلاب که دستگاه سرکوب و گشنهای ارشادشان را خسته کرد، و از رکاب زنی زنان که خیابانها را تصاحب کرد و فتوهای ولایتشان را به سخره گرفت، از کارزارها و طومارهایی برایتان میگویم که تودهنی محکمی به مجلس اسلامی شان زد، وقتی در خیال کثیفشان با تصویب طرح ازدواج با فرزندخوانده،

میخواستند حرمسرایی با کودکان بی پناه براه بیاندازند و یا با طرحهای فرزند آوری میخواستند زنان را به ماشین جوجه کشی بدل کنند.

تمام طرح و قانون های ضد زن را بر فرق سر مرتجع حاکمان کوبیده ایم و حکومت جانین اسلامی را به درپوزگی کشانده

دیگر نمیتوانند زنان را در سکوت به کام مرگ فرو ببرند، بلکه امروز نام قربانیان قتل های ناموسی به کفرخواستی بدل میشود که پرچم آن به دست ماست.

رفقا در میانه نبرد سرنوشت سازی قرار گرفته ایم و پیشرویهای ما در بدست گرفتن پرچم مبارزات جاری مردم ایران شغف انگیز است آنچنانکه میتوانید ما را در میان رهبران عملی جنبش های مبارزاتی رصد کنید و این همه، جز با تکیه بر سبک کار و متد اجتماعی حزب مان میسر نبود. امروز به یمن حضور ما در مبارزات هر روزه، مدیا و خبرگزاری های بزرگ پذیرایمان هستند و به نقش ما در بلند کردن صدای حق خواهی مردم ایران اذعان دارند.

امروز مبارزات زنان خبری از مماشات و دخیل بستن به جناحی از حکومت نیست و برابری شعار اصلی زنان است و این رنگی چپ و سکولار به جنبش زنان بخشیده است. زنانی که دیگر برده جنسی نیستند و عزم جزم کرده اند تمام قید و بندها و تابوهای که مانند بختکی بر زندگی آنها افتاده را کنار زده و انسان بودن خود را

فریاد زنند. دیگر این غول خفته بیدار شده و به چراغ جادویی که برایش ساخته بودند باز نمیگردد.

زنان بیش از پیش با فقر، بیکاری و بی تامینی دست و پنجه نرم میکنند و از همین رو صدای فریاد حق خواهی زنان در جای جای جامعه به گوش میرسد، از صفوف معترضین مقابل مجلس اسلامی تا سنگر هفت تپه، از تریبون های دانشگاه تا کف خیابان.

زنان طعم نابرابری و تبعیض طبقاتی را بیش از همه چشیده اند و برابری جز در سایه سوسیالیسم میسر نخواهد بود و این صدای تاریخی رنسانس زنانه است، این طنین یک انقلاب زنانه است!

ستاره نوری

-۲۱-

با عرض سلام و درود به حاضرین کنگره

جوانی بیست ساله از ایران هستیم. مدت کمی است که با حزب کمونیست کارگری آشنا شده ام. از این آشنایی بسیار خرسندم، چون یک دریچه تازه و روشنی را رو به آینده باز کرده است، حداقل برای من. و الان میدانم که این حزب من را نمایندگی میکند.

اکثر قشر جوان در جامعه ایران هیچ حقی ندارد. یعنی همه آرزو ها و آرمانهای ما بی جواب مانده. شادی برایمان حرام است. رقصیدن حرام است. عشق ورزیدن حرام است. و بطور کلی آینده ای نداریم. پول و امکانات نداریم. من موزیسین، ترانه سرا و همچنین نوازنده گیتار هستم. ما نه فقط حمایت نمیشوم، بلکه مدام سرکوب می شویم. حتی موزیسین های زیر زمینی هم سرکوب میشوند.

این حزب امید به فردای روشن را در دل من تاباند. میدانم که این حزب میتواند صدای من هم باشد. میدانم میتوانیم با هم یک دنیای بهتری بسازیم. همه ما، اعم از زن و مرد و پیر و جوان و دختر و پسر شایسته داشتن زندگی بهتری را داریم. من ایمان دارم که این امکان پذیر است.

من از حزب کمونیست کارگری تقاضا عضویت میکنم. میخواهم بصورت متشکل با حزب فعالیت کنم و در ساختن یک دنیای بهتر شریک باشم. این حزب من است و به شخصه به همه جوانان فراخوان میدهم که به حزب کمونیست کارگری بپیوندند. دیگر نباید شاهد اعدام باشیم. تبعیض جنسیتی نمیخواهیم. رنگین کمانی ها باید بتوانند مثل همه آزاد باشند و آزادانه عشق بورزند. این حزب ظرفیت پاسخگویی به این

خواسته ها را دارد. برایتان کنگره ای پر بار آرزو میکنم.

ژستر معترض

--

-۲۲-

پیام به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران سلام رفقا

نظر به اینکه امواج گسترده ی نارضایتی هر روز گسترش بیشتری پیدا می کند دو نکته حائز اهمیت است؛

اول، وضع خود حزب و استحکامش برای حضور هر چه قویتر در همه ی عرصه ها. توجه به وضعیت ستون فقرات مارکسیستی حزب مهم است. روی این مساله باید بیشتر کار شود. چون ما در سطح رهبری هنوز خونریزی میدهیم.

دوم، تلاش برای تبدیل شدن به حزب نه به وضع موجود و حزب انقلاب. اگر این امر به سرانجام برسد می توانیم همچون بلشویک ها یک پای اصلی بازی باشیم. انقلاب وقتی از راه برسد زیاد به کسی و جریانانی فرصت بازاندیشی نمیدهد. انقلاب دوره ی عمل به آرزوها و دوره ی تحقق آرمانهاست. پس بشتابیم. انواع جریانات راست و بورژوایی مترصد قاپیدن فرصتند. اگر بجنبیم موفق می شویم یک بار برای همیشه به نکبت سرمایه داری و جامعه ی طبقاتی نقطه



ی پایانی بگذاریم. زنده باد سوسیالیسم و زنده باد خط سیاسی حمید تقوایی که انصافا در این چند کنگره ی گذشته وظیفه اش را به خوبی انجام داده است.

پرویز پوینده

--

۲۳-

درد فراوان به رفقای خستگی ناپذیر حزب کمونیست کارگری بمناسبت تشکیل دوازدهمین کنگره حزب

امیدوارم کنگره به خوبی و با موفقیت برگزار شود، رهنمودها و راهکارهای عملی به اعضا، هواداران، فعالین و مبارزان راه آزادی و برابری برای سرنگونی رژیم پوسیده و از گوربرخاسته سرمایه داری اسلامی ارائه کند.

جهت رسیدن به هدف فوق دست تمامی شما را به گرمی می فشارم

کسری خسروی

--

۲۴-

به کنگره رفقا!

به شما درود می فرستم و خودم را در کنار شما می بینم و یکایک تان را در آغوش می فشارم.

اگر تا دیروزها خودمان را به داخل و خارج تقسیم می کردیم، امروز اما به یمن نزدیکی و نفوذ ادبیات و برنامه حزب با جنبش های اعتراضی مردم و نیز به یمن تجهیزات فنی و زیرساخت های تکنیکی و الکترونیکی و انقلاب الکترونیک، تقسیم تشکیلات و سازمان و کادرها و اعضای حزب به داخل و خارج نه تنها چندان درست نیست، بلکه اساسی معناست.

در فاصله ی دو کنگره ی یازدهم و دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران، جهان و ایران دستخوش تغییراتی شده است که مستقیم و غیرمستقیم بر روی حزب و زندگی و مبارزات مردم معترض تاثیرات عمیق و ژرفی گذاشته است.

رژیم به خیال خود گمان می کرد که با سرکوب خونین آبان ۹۸ جنبش های اعتراضی و جنبش سرنگونی را به عقب رانده است. اما جنبش دادخواهی خانواده های کشته شدگان اعتراضات خیابانی و خانواده های مسافران هواپیمای ساقط شده اکرائینی توسط سپاه پاسداران سرمایه از یکطرف و اعتصابات چندماهه ی کارگران پیمانی نفت و اعتراضات بازنشستگان و معلمان و غیره همه نشان دادند که آبان همچنان در جوش و خروش است.

گفتمان نه به تمامیت جمهوری اسلامی با شعار

اصطلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا از عمق جامعه بیرون آمد، نقاب حکومت را به کنار زد، پرده از روی صورتش برداشت و او را مجبور ساخت جلاد کمیته ی مرگ را به ریاست جمهوری بنشانند تا بلکه جامعه را مرعوب و اعتراضات را سرکوب کند و سرنگونی اش را به تاخیر بیندازد.

کنگره دوازدهم حزب ما برآمده ی چنین اوضاع و احوالی ست؛ یعنی هم کنگره ی «اداره ی شورایی جامعه» (و هم کنگره ی «آبان ادامه دارد» (و هم کنگره ی «سرنگونی انقلابی» (و به یک اعتبار؛ «کنگره ی انقلاب» است.

امیدوارم کنگره بتواند برای سرعت بخشیدن به جنبش های اعتراضی اجتماعی راه حل های عملی راه گشا و کارسازی را در دستور کارش قرار دهد.

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد انقلاب

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران

فرهاد دیلمی - آبان ۱۴۰۰

--

۲۵

پیام به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

برگزاری دوازدهمین کنگره حزب را به اعضای حزب، کادرها و رهبران حزب، به فعالین سوسیالیست کارگری، کنشگران اجتماعی و به طبقه کارگر و هر انسان معترض و شریفی که دل در گرو آزادی و رهایی طبقه کارگر و مردم تحت ستم دارد تبریک میگویم.

کنگره حزب کمونیست کارگری، کنگره روتین یک حزب سیاسی عادی نیست، بلکه کنگره یک حزب کمونیستی خلاف جریان، کنگره حزب انقلاب و تدارک مبارزه برای سوسیالیسم و تحقق برنامه یک دنیای بهتر است. کنگره حزب کمونیست کارگری

مهم است، چون وجود این حزب و نقش این حزب در زندگی اجتماعی سیاسی طبقه کارگر و مردم مهم است و جامعه نشان داده است که چقدر متاثر از حزب کمونیست کارگری، سیاستها، مشغله ها، نقشه عملها و فرهنگ والای سیاست حزب و برنامه عمل حزب کمونیست کارگری است.

این حزب، حزب سیاست شورایی، رهبری شورایی و اداره شورایی جامعه است. حزب تحقق برنامه یک دنیای بهتر است. حزب کمونیست کارگری حزب سازماندهی کنفرانس آترناتیو در افشاگری و بشکست کشاندن کنفرانس اصلاح طلبان در برلین، حزب پافشاری و ایستادگی در مقابل اسلام سیاسی و حزب تلاش و مبارزه برای ایجاد یک جمهوری شورایی سوسیالیستی است که آزادی و برابری و رفاه و عدالت را در جامعه حاکم کند، دست مذهب را از زندگی مردم کوتاه و جامعه ای شاد و خوشبخت بنا کند.



بر ما و خانواده هایمان روا داشته اند، مقابله کنیم و پیروز شویم. ما کارگران به کمتر از پایان ظلم این حکومت ننگین سرمایه داری رضایت نخواهیم داد. تا زمانی که اینها بر مسند قدرت باشند هیچ حرفی و هیچ سازشی با آنها نداریم.

ما اگر حق و حقوقمان را میخواهیم باید از خودمان شروع کنیم و تا زمانی که یکصد و یکدل نباشیم روزگاران بدتر از دیروز خواهد بود. نکته اصلی و مهم، خود ما کارگران هستیم و قدرت کافی و لازم را برای اعتراض داریم. اعتراض ما به فقر و تبعیض و نابرابری و دزد بازار سرمایه داری است و اگر با تمام قدرت در میدان باشیم، جامعه با ماست و میتوانیم کل این بساط بردگی سرمایه داری را جمع کنیم.

پس با فریادمان برگی نوین از جنبش کارگری را رقم خواهیم زد. بگذارید تمام دنیا صدایمان را بشنوند.

دوستان و همکاران عزیز حزب کمونیست کارگری چراغ راهی برای همه ماست. به حزب خود ببینید و با این چراغ درخشان، مبارزاتمان را به پیش ببریم. پیروزی از آن ما است.

کنگره این حزب نیز نشستی بر سر مسائل مهم پیش روی ما کارگران و ما مردم است. همه ما با شرکت در این کنگره از طریق آنلاین میتوانیم پیگیر مباحث آن

بردگی سرمایه داران مفتخور حاکم میدانم. این افقی است که مشعل آن در دست حزب ماست که نوید بخش پیروزی است.

رفقا! روی ما حساب کنید. ما همه با هم به این بساط وحشی استثمار و بربریت پایان خواهیم داد. زنده باد حزب کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم

کارگر آزاد

--

۲۸

پیام به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری

چیست قانون کنونی، خبرت هست از آن؟

حکم محکومی ما!

بهر آزاد شدن، در همه ی روی زمین

از چنین ظلم و شقا

چاره ی رنجبران وحدت و تشکیلات است

عَرَق و زحمت کار، خطرات کار، بی پولی، آسیب جسمی و روحی، حمالی و شرمندگی

خانواده برای کارگران !!! سودش در جیب کسی دیگر؟ ! این ظلم تا کی؟

باید خودمان دست به دست هم دهیم تا شاید، نه، حتماً

کاری بکنیم.

ما کارگران صنعتی با پشتیبانی هم میتوانیم با ظلمی که سالهاست از سوی نظام

سرمایه داری بدون هیچ شرمی

به همه شما که برای ساختن یک دنیای بهتر تلاش میکنید درود میفرستم و از همین جا دستتان را به گرمی می فشارم

به همه شما که برای ساختن یک دنیای بهتر تلاش میکنید درود میفرستم و از همین جا دستتان را به گرمی می فشارم

به امید دنیای بهتر

سیمین فرج پور

--

۲۷

پیام به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری

من یک کارگر نفتم. از نزدیک در جریان آنچه در اعتصابات کارگران پروژه ای نفت روی داد بوده و درگیر و دست اندر کار بوده ام. در این حرکت سایه به سایه حزب را همراه خود دیدم و از آن قدرت گرفتم. فوکوس حزب کمونیست

کارگری بر روی مسایل مبارزاتی ما کارگران نفت قابل توجه بود. انعکاس آن را در صحبت های کارگران اعتصابی نفت به عنوان

بینندگان کانال جدید و از جمله برنامه کارگران و یک دنیای بهتر

دیدیم. درود میگویم به شما رفقای حزب. انتظارم اینست که

کنگره همچنان به عنوان یک عرصه مهم از مبارزات کارگری، بر روی مبارزات ما کارگران نفت

فوکوس داشته و راهنمای ما باشد.

دوستان! البته افق ما برای

رهایی فراتر از اعتصاب در نفت و کوبیدن برخواستها و مطالباتمان است. اما این

مبارزات را در جهت رسیدن به آن افق و رهایی از توحش و

انسان هستیم.

درمانی هم هزینه هنگفتی را به خانواده ها تحمیل میکند که زندگی را بسیار دشوارتر کرده است. این بیماری و معضل درمان آن باعث شده که موضوع بیمه بیش از قبل مهم تر شود. در فقدان بیمه درمانی، تامین هزینه های بیمارستانی غیر ممکن شده است.

این دنیای نابرابر قابل تحمل نیست. دنیایی که یک عده سود های کلان می برند و یک عده به نان شب محتاج هستند. ما این دنیای فلاکت زده را انتخاب نکرده ایم. به ما تحمیل شده است.

من یک دنیای بهتر را از طریق حزب شناخته ام. تا قبل از آن با حق و حقوق انسانی خودم آگاه نبودم. فکر میکردم سرنوشت من همین فقر و فلاکت است. همانطور که خیلی از مردم فکر می کنند قسمت و سهمشان از زندگی همین است.

من برخلاف برخی فکر میکنم شایستگی و لیاقت یک دنیای بهتر را داریم. از همین روی آگاهی که به آن دست یافته ام را روزانه با همسرنوشت هایم در میان میگذارم و بذر امید پخش میکنم.

من به عنوان زنی که در جامعه ایران طعم ظلم و نابرابری و قوانین ضد انسانی و ضد زن را چشیده ام، امیدوارم این کنگره بتواند هر چه بهتر و مثر ثمرتر بساط نکبت سرمایه و جمهوری اسلامی را از سر مردم کوتاه کند تا طعم یک زندگی بهتر و شایسته و مطلوب را بچشیم.

ما خواهان یک زندگی بهتر شامل بیمه رایگان و کار آمد، مسکن رایگان و استاندارد و تحصیل رایگان هستیم. ما خواهان حقوق و مزایای برای یک زندگی مرفه در حد شایسته انسان هستیم.

کنگره دوازدهم حزب را به تمام کسانی که برای زیر و رو کردن نظام نکبت جمهوری اسلامی و بنای یک جامعه انسانی تلاش میکنند تبریک میگویم. برای حزب و رفقای حزبی موفقیت روزافزون آرزو میکنم.

حامد صداقت

آبان ۱۴۰۰

--

۲۶

درود بر دوازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری

سلام

رفقا در شرایطی این کنگره برگزار میشود که گرانی و تورم برای مردم ایران کمر شکن شده است.

من هم یکی از افرادی هستم که در چنین موقعیتی قرار گرفته ام و مسئولیت های فراوان زندگی را به دوش میکشیم. هزاران زن مثل من هستند که روزانه با آنها از نزدیک برخورد دارم.

اولین مشکلاتی که زنان با آن دست و پنجه نرم میکنند مساله کار و در واقع بیگاری با دستمزد اندک روزانه، بدون بیمه و پاداش و مزایا و بسیار پایین تر از حقوق پایه اداره کار است که گاه حتی کارفرما زیر بار پرداخت آن هم نمی رود.

برخی از این زنان بار سرپرستی و مراقبت از افراد سالمند و یا معلول خانواده را هم به دوش میکشند و هیچ حمایتی هم از هیچ ارگانی دریافت نمیکنند. بخش اعظم درآمد ما بابت مسکن و کرایه رفت و آمد صرف میشود و مبلغ ناچیزی هم برای خرید روزانه که هر روز گرانتر و کمر شکن تر میشود.

شرایط سخت کرونا و ضرورت تهیه وسایل بهداشتی و



باشیم و تصویر روشنتری از اوضاع و گامهای بعدی مبارزاتمان داشته باشیم. آری همه حرف ها گفته شده ... هرکس امروز به دشمنی با طبقه کارگر بپردازد و حمایت از سرمایه دار و یا به میانه روی در بین کارگران بپردازد، تنها خود را در میان قاطبه طبقه کارگر بی اعتبار تر و بی آبروتر خواهد کرد. در پایان برای همه کارگران تاول های دستم را شمارید و زخم های دلم را بر دستم جای بوسه ای می بینم که رنگ نور دارد آری من کارگر آرش کارگر نفت

--

۲۹

“زنان به عقب بازمی گردند”

رفقا بسیار خوشبختم که امروز در مراسم برگزاری کنگره دوازدهم حزبمان در کنار شما هستیم.

سالهاست تحت ستم و سیطره سیاهترین حکومت سرمایه داری و وحوش اسلامی به سر می بریم.

حکومتی که از سرکوب، شکنجه، قتل و آزار کودکان و بزرگان، نابودی محیط زیست و اعمال هر نوع مصیبت بر سر مردم، خصوصا ما زنان دریغ نکرده است. حکومتی که خواسته با ناموس سازی از زنان، نصف جامعه را حذف و به کنج خانه براند و بنام ناموس پرستی و با قوانین ضد انسانی خود، اسید و داس بدست و وحوش خود داده و حجاب بر سر ما فرو کرده تا ما را از جامعه حذف کند.

حکومتی که در خصوصی ترین مسائل زندگی ما سرک می کشد و با طرحها و قوانین اجباری افزایش جمعیت، می خواهد زنان را به کالا و برده جنسی بدل

کرده که هیچ اختیاری بر تن و جان خود نداشته باشند. علیرغم همه اینها اما در این امر موفق نشده اند. چرا که ما زنان به عقب بازمی گردیم، ما زنان خواهان "یک دنیای بهتریم." ما زنان ستون انقلابی هستیم که رنگ و بوی زنانه دارد.

نمی توانند حذفمان کنند. بر سر این حکومت ظالم فریاد شده ایم، که ما خواهان برابری تمام انسانها هستیم و حکومتی با قوانین ضد انسان و طبیعت نمی خواهیم. ما حکومت اعدام، شکنجه و تجاوز، حجاب، طناب دار، خشونت و سرکوب نمی خواهیم. نمی گذاریم با قوانین ضد زن و رواج خشونت علیه مان، سرکوبمان کنند. ما حکومت کودک کُش نمی خواهیم.

در این راه کمپنها براه انداختیم و مزدوران و موابج بگیرانشان را که از هیچ قتل و تجاوزی علیه مان دریغ نمی کردند، رسوا کردیم. حجاب از سر برگرفتیم و تمام قد در مقابلشان ایستادیم. ما حنجره

دادخواهی شدیم و فریاد زدیم که ما حکومت وحوش اسلامی نمی خواهیم. اینبار و در این مبارزه می دانیم چه می خواهیم. بی شک آنکه می ترسد نه مردم، که حکومت جلا دیست که از هر تحرکی، حتی از ورزش زنان، می ترسد. حق هم دارد بترسد. جمهوری اسلامی دهها سال است که با کشتار، اعدام و قتلهای مخفی و جنایت علنی، برای ترساندن مردم و جلوگیری از قدرت گرفتنشان استفاده کرده است، علیرغم این، توانسته جلوی اعتراضات هر روزه مردم را بگیرد و همچنان شاهد پیشروی اعتصابات و اعتراضات مردم در تمامی عرصه های سیاسی و اجتماعی هستیم.

فقر و فلاکت، آلودگی محیط زیست، فساد و غارت، بیداد می کند. نان را و جان را به گروگان گرفته اند. به قلب کولبری که برای لقمه ای نان، جانش را در کف دست گرفته، شلیک می کنند. برای حفظ قدرت از هیچ جنایتی ابا ندارند. از شلیک موشک به هوایمان تا شلیک گلوله به قلب رهگذران

در خیابان. اینجا هر روزش آبان است. اما با تمام این سرکوب و کشتار ایستاده ایم، مبارزه می کنیم و به آینده امید داریم.

امید داریم. چرا که در این مبارزه اندیشه سیاسی محکم و استواری به نام "حزب کمونیست کارگری" روشنی بخش مسیر حرکتمان است. اینبار و در این مبارزه می دانیم چه می خواهیم و دیگر نمی گذاریم ما را به عقب برگردانند. اینبار مسیر حرکت روشن است. جامعه آگاه است. میدانند چه می خواهد.

امید که در گردهمایی بعدی اثری از وجود حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی نباشد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری
پیروز باد مبارزه تا آزادی
آنت صبحی
آبان ۱۴۰۰

--

۳۰

رفقا و دوستان گرامی
دوردها و تبریک ما را از جنوب ایران پذیرا باشید

دوازدهمین کنگره حزب را در حالی برگزار میکنیم که جای کشورمان در کار مبارزه برای سرنگونی این رژیم ضدبشری است.

ما برای آنچه حقوق انسانی همه مردم است مبارزه میکنیم. برای ساختن جامعه ای آزاد و برابر و انسانی و سرشار از شادی و رفاه.

دستان را به گرمی می فشاریم و خالصانه ترین درودها را نثاران نموده و سپاس فراوان داریم از تک تک دوستان و رفقای حزب برای برگزاری این کنگره.

با عشق فراوان

سمیر از جنوب ایران

--

۳۱

به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری
از طرف زنی کمونیست و پزشک که عمری را تحت سیطره اسلام سیاسی سپری کرده!

تحت سیطره اسلام سیاسی، به عنوان یک انسان، میدانم که مردم این سرزمین روزانه با واقعیت دستمزد ناعادلانه،



شوهرکشی و خودکشی نکشد، جنگ اصلی برای بدست آوردن پاره های تیشان، یعنی حق حضانت فرزندانشان شروع میشود. آخ که این راهروها و راه پله ها چه حکایتها که ندارند.

از شکایتهای بی سرانجام میگویم. از تجاوزها و تعرض های جنسی در محل کار بگیر تا مدرسه و دانشگاه و کوچه و خیابان و حتی خانواده، از تباه شدن عمر و زندگی، از دهان هایی که جمهوری اسلامی زن کُش با این قوانین خانواده و ضدزن بست با شما میگویم!

اما رفقا بگذارید براتون از شهر به شهر و خیابون به خیابون و محله به محله در سراسر ایران هم بنویسم. وقتی که برابری خواهی و خواست زندگی انسانی، خواست یک دنیای بهتر چراغ راهمون شد، پاهای خسته مان هم جان گرفت. وقتی که برنامه راه را پیدا کردیم، قوت گرفتیم و راه افتادیم. همون چشمها که روزی نظاره گر بود، دیگه فقط نگاه نمیکرد، سو گرفت، مسیر را دید. چون حزیش را پیدا کرد. چنین شد که گوشها هم تیز شد و فریادهای بر آمده از دهان های بسته از گوشه گوشه مملکت رو شنید و شروع کرد دستها رو با کمپنها و کارزارها مطالباتی و امضاها تو دست هم گذاشتن. و امروز با رضایت از سال تلاش و اتکا به حزب براتون میگم:

حزب کمونیست کارگری ایران مقدمتان به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران گلباران زنی هستم از داخل ایران و با شما از راهروهای دادگاه های خانواده سخن میگویم. از کسانی که با پاهایی خسته، نفس نفس زنان راه پله های دادگاه را از این اطاق به آن اتاق، بالا و پایین می روند و فرم های درخواست طلاق و عریضه و دادخواست را پر میکنند. از چشمهای خیره به دهان منشی ها که وقت دادگاه را چندماه و چند سال کش می دهند.

از گوشهایی منتظر به حکم قاضی هایی مینویسم که فرض را به بی حقی تمام و کمال و مجرم و مقصر بودن زنان گذاشته اند و فرمان می دهند: دهان ها بسته! که آگه شوهرت دست بزنی داره، معتاده و شکنجه ات میکنه، به زن دیگه گرفته، شکاک و سادیسته، نمیکذاره کار کنی، درس بخونی، سفر بری، نفس بکشی، یا حتی آگه اسید به صورتت پاشیده و نصف صورتت ذوب شده، برو بساز! خلاصی و راه نجاتی در کار نیست. بخاطر اینکه حق طلاق را به مردان بعنوان مجریان این خشونتها داده ایم!

و حالا اگر بخت گرفتن طلاق با زنانی هم یار باشد که تحملشان زیاد است، و شانسی بیابوند در پروسه ی طاعت فرسای دادگاه ها کارشان به

آنجا که قراردادی است، اجازه هیچگونه اعتراضی ندارد و همیشه سایه اخراج بالای سرش است. همسر راننده ماشین سنگین است ولی مثل کارگر ساده دستمزد میگیرد. گرانی بی حدی که به ما تحمیل شده توانمان را بریده است. این چه زندگی سختی است که نصیب ما شده؟! شما دادخواه ما باشید. این کنگره باید بتواند حق خواه من و همسرم باشد. برایتان کنگره موفق ارزو داریم.

شیدا و اکبر فرخی

--

۳۳

درد و تمام راهیان راه آزادی

شروع کنگره ۱۲ را تبریک میگویم. امیدوارم کنگره ۱۳ را در ایران برگزار کنیم

در این برهه از تاریخ، خوشبختانه بسیاری از جوانان و مردم، در پی آزادی و نجات کشور هستند. به نظر من، هرکس در هر مکانی میتواند با فعالیتی ولو کوچک، سهمی در پیشبرد اهداف جامعه داشته باشد. من بعنوان کسی که در این شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی در کشور عزیزمان زندگی میکنم، مفتخرم که بگویم بسیاری از جوانان ما در پی اشاعه فرهنگ انسانیت و انسان دوستی هستند. و این مهم، جز به مدد آگاهی و تعلیم شما امکانپذیر نمی باشد.

سیاس از حمید و شهلا و تمام عزیزانی که در این امر یاری گر ما جوانان هستند.

مریم سحری

--

۳۴

سلام رفقای نازنینم

زهره صفایی هستم عضو

چاره بیاندیشیم، امروز در آستانه کنگره حزب کمونیست کارگری، که مسئله اش انسان است و به تبع آن دغدغه آحاد افراد جامعه را دارد، با صدای رسا اعلام میکنم که:

خواسته من یک زندگی انسانی است. خواسته من کار و تحصیل، نان و آزادی است.

خواسته من طبابت بر پایه علم نوین و شواهد علمی است. خواسته من حذف رابطه پولی بین طبیب و بیمار است.

خواسته من احقاق حقوق اولیه زنان است.

خواسته من تفکر آزاد و عدم تحمیق کودکان با آموزش خرافه های دینی است.

خواسته من پیگیری بی وقفه و جانانه این مطالبات تحت لوای حزبی است که اساس کمونیسمش انسان است.

باشد تا آیندگان آرزوهایمان را در واقعیت روزمره زندگیشان تجربه کنند.

۱۴۰۰/۰۸/۱۹

صبوری نسرين

--

۳۲

پیام یک زن خانه دار

من یک زن خانه دار هستم. هیچ کجا صدای من شنیده نمیشود. برای مشکلی به دادگاه رجوع کردم. ده سال مرا سر دوآندند و آخر سر با کلی ضرر و زیان پرونده ام را بستند. برایم پاپوش هم درست کردند. زمینم را از دستم در آوردند و بدهکارشان هم شدم. زنانی را که برای طلاق به دادگاه رجوع میکنند کسی صدایشان را نشنیده است. در قوانین جمهوری اسلامی جایی برای هیچ انسانی نیست. این پیام من و همسرم به کنگره حزب کمونیست کارگری است. شما صدای ما باشید. همسر من دوازده سال است که در یک شرکت کار میکند. از

بیکاری و فقر روزافزون دست و پنجه نرم میکنم، تحصیل رایگان افسانه است و آب آشامیدنی سالم آرزو!

تحت سیطره اسلام سیاسی، به عنوان یک زن، میدانم که زنان این سرزمین از حقوق اولیه خود محروم بوده و قوانین متحجرانه ازدواج کودکان، دیه و ارث نابرابر زنان و مردان، نداشتن حق طلاق و کار و سفر و تعیین محل سکونت، ... بر زندگیشان حاکم است و حتی از حق ابتدایی انتخاب پوشش خود و تعیین تعداد فرزندان خود محرومند.

تحت سیطره اسلام سیاسی، به عنوان یک پزشک، میدانم که مردم کشورم از حق بهداشت و درمان استاندارد محرومند و طبابت علمی و به روز به نام طب اسلامی به گروگان گرفته شده و رابطه پولی مستقیم بین پزشکان و مردم، ارائه خدمات درخور شان دو طرف را غیر ممکن کرده است. در این سیستم سراسر فاسد، پزشکان به بیگیری گرفته شده، آماج انواع توهین و تحقیر قرار میگیرند، و مترسکهای حکومتی به جای شایستگیان آگاه و فرهیخته در مناصب تصمیم گیری های بهداشتی و درمانی می نشینند.

تحت سیطره اسلام سیاسی، به عنوان یک آنتیست، می دانم که در کشورم هر عقیده غیر اسلامی غیر قانونی است، خداناباوری جرم است و زندگی زیر صورتک سکوت جریان دارد، دین وراثتی است و کودکان با آموزه هایی سراسر دروغین و مسموم به نژادپرستی و خرافه گرایی تربیت میشوند.

آری، من عمرم را به عنوان یک زن آنتیست پزشک با این مسائل زیسته ام، ولی امروز باید از قصه غصه ها بگذریم و به راه



مشکلات داشته اند و اینها درد مشترک همه ما است. همه ما میدانیم مقصر این اوضاع حکومت سرمایه داری مافیایی جمهوری اسلامی است که چپاولگری شان حد و مرز ندارد. اینها چپاول میکنند و بعد سعی میکنند بین ما تفرقه بیندازند و بگویند آب کارون به اصفهان رفته و آب اصفهان به قم. ولی ما باور نداریم و نباید بگذاریم این تبلیغات توطئه گرانه ذره ای در صف متحد اعتراض ما تاثیر داشته باشد.

دوستان مشکلات بسیار است. بحث بر سر نابودی زمین، هوا، آب و زندگی و کار است. از کنگره حزب کمونیست کارگری انتظار داریم که بر حمایت وسیع از ما و از مبارزات ما تاکید بگذارد. از حزب و از کانال جدید انتظار دارم که در این ابعاد به موضوع نگاه کرده و صدای ما را هر چه رساتر انعکاس دهند و برای ما راهنما باشند. اگر چه همه میدانیم که تنها راه سرنگونی این حکومت است و بس. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

اینرا هم بگویم که من هنوز عضو حزب نیستم. سواد هم کم هست ولی قبولتان دارم و دوستدارتان هستم و وقتی مطلع شدم کنگره ای در پیش است فکر کردم پیامی بدهم و حرفهایم را به دوست نزدیکم گفتم و او به نگارش درآورد. کنگره خوبی داشته باشید.

مهدی کشاورز از اصفهان

برایتان بنویسم. خشک شدن رودخانه زندگی ما کشاورزان را به نابودی کشانده و زمینی برای کشت باقی نگذاشته است. زاینده رود، کارون، ارومیه و هامون همه خشک شده اند و مصیبت هایش دامنگر ما کشاورزان و ما مردم شده است. در عین حال ما با مافیای دلانان روبرویم که کشت ما را ارزان میخرند و دو لا پهنه در بازار میفروشند. دلانان آنقدر بیرحم هستند که اول کشت دار و دسته های خود را میخرند و در نتیجه کشت خیلی از ما کشاورزان آنقدر روی زمین می ماند که بعضا خراب شده و غیر قابل استفاده میشود. از آنطرف هم با کودهای شیمیایی بدون کیفیت و سمی زمینها را نابود و محیط زیست را مسموم کرده اند.

این وضعیت دودش به چشم مردم نیز میرود. مردم اجناس را به قیمت گران میخرند و هیچ اطمینانی به سلامت آنها نیست. بعلاوه، آلودگی زمین و هوا بدلیل خشک شدن آنها و استفاده از کودهای مسموم تبعات بدی برای سلامتی همه ما دارد. ما کشاورزان در اصفهان در اعتراض به این وضعیت بیش از یک هفته است که در خیابانیم و چادر زده و بست نشسته ایم و خوشبختانه مردم هم ما را حمایت میکنند.

در عین حال می بینیم که همکاران کشاورز ما در خوزستان هم همدرد ما هستند و اعتراضات بسیاری بر سر همین

کار بدون هیچ تجهیزاتی و بدون اجرایی کردن پروتکل های سازمان جهانی کار، بخاطر نجات جان انسانها، با جان و دل کار میکنیم. و نه فقط با خطر مبتلا شدن به کرونا بلکه در معرض انواع و اقسام دیگر بیماریهای خطرناک قرار داریم. در همان حال مشکل معیشت هم داریم. حتی خیلی از ما در استخدام نیستیم و امنیت شغلی نداریم و بدتر از آن باید مرتبا دنبال حقوق پرداخت نشده خود بدویم. فشار کار هم طاقت فرسا است. پرستار استخدام نمیکند. بصورت شرکتی ما را استخدام میکنند و زور میگویند. خوشحالم که حزبی هست که صدای اعتراض من و ما نود و نه درصدی ها است. از همین رو میخواهم عضو حزب باشم. مرا به عضویت حزب بپذیرید. از کنگره انتظار دارم که صدای اعتراض ما را در جامعه انعکاس دهد. جنایتی که بخاطر کرونا شده است، یک فاجعه است و باید به گوش جهانیان رساند. یک دنیای بهتر چه اسم گویایی برای بیان آرزوهای ما مردم است. ما اعضای یک دنیای بهتر هستیم.

صفیه راستگو

--

۳۷

پیام از مهدی کشاورز از اصفهان

شندیم کنگره حزب برگزار میشود. به عنوان یک کشاورز از اصفهان خواستم از دردهایمان

طور کلی حذف شده است و بودجه آن به جیب مقامات بالای ارتش می رود.

۹۰ درصد پرسنل جهت امرار معاش و گذران زندگی به شغل دوم از قبیل مسافر کشی و کار در بنگاه های معاملات املاک و یا کار در زمین های کشاورزی و غیره متوسل شده اند. سازمان مخوف اطلاعات را برای کنترل کادر و سربازان درست کرده اند تا هر گونه ابراز نارضایتی و انتقاد را سرکوب کنند. سربازی هم اجباری است. اکثریت سربازان که آشنا و پارتنی ندارند، بشدت مورد ظلم و ستم قرار دارند.

با توجه به این اوصاف، بدنه ارتش اکثرا یا تماما بشدت ناراضی اند و افکار رادیکال را لمس کرده و می پذیرند. تقاضا میکنم حزب کمونیست کارگری در تلویزیون کانال جدید و سایر ابزار تبلیغی اش بیشتر در مورد آنها صحبت کند.

برای کنگره حزب آرزوی موفقیت می کنم

یک درجه دار ارتش

--

۳۶

پیام به کنگره ۱۲ حزب

من یک پرستارم. در جنگ با بیماری مهلک کرونا و با حکومتی که خرید واکسن کرونا را بافتوا منع کرد. در این جنگ همکاران عزیزی را از دست دادیم. همه ما مردم میدانیم که حکومت اسلامی مسئول مستقیم کشتار جمعی بخاطر رواج اپیدمی کرونا است. ما مردم، بویژه ما پرستاران دادخواهیم.

دوستان! ما پرستاران، هم جانمان در خطر است و هم دغدغه معاش داریم. در محل

این پاها و چشمها و گوشها و دهان ها یقین دارند که همپا و همراه حزبشان با پرچم "یک دنیای بهتر" جمهوری اسلامی را سرنگون میکنند و جامعه ای میسازند که اساسش انسان است! آره رفقا قرارمون میدون آزادی تهران زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران زنده باد حمید تقوایی --

۳۵

پیام یک درجه دار ارتش
به کنگره حزب کمونیست کارگری

با توجه به اینکه بدنه ارتش را قشر محروم و ضعیف جامعه ایران تشکیل میدهد، از حزب انتظار می رود حمایت های خود را در راستای مبارزه بر علیه بیداد سران ارتش و فساد موجود در سازمان آن هر چه بیشتر آشکار نماید. هر چند با وجود سرکوب و خفقانی که در پادگان ها هست نمیتوان انتظار زیادی از پرسنل داشت. با این وجود لازم است راههایی برای شناخت و تبلیغ در اختیار این قشر قرار گیرد تا بتوان به مبارزه ادامه داد.

وضعیت پادگان ها بسیار وحشتناک است. از پرسنل کادر شروع میکنم. خط فقر در جامعه امروزی ۱۲ میلیون تومان است اما میانگین حقوق دریافتی پرسنل ۶ الی ۷ میلیون تومان است. بدلیل تبعیض، پارتنی بازی و فساد فرماندهان رده بالا، امتیازاتی از قبیل واگذاری مسکن و زمین و پرداخت وام به بدنه ارتش که شامل افسران جزء و درجه داران است، تعلق نمیگیرد. از لحاظ جیره غذایی به بهانه تحریم ها، دسر و مخلفات مربوط به وعده های غذایی سربازان چند سال است که به



--

۳۸

پیام رضا فولادی کارگر بازنشسته فولاد

من رضا یک فولادی بازنشسته تبعیدی هستم. اما ثمره سالها مبارزه ام را هم در شهری که بودم و هم اینجا که تبعیدم کرده اند، می چینیم. با دوستانم اعتراضات خوبی را به جلو برده ایم. دل نگران نشوید. من هنوز خودم را حزبی نمیدانم ولی کانال جدیدی میدانم و به کارگران و یک دنیای بهتر ایمان دارم. شما ما را در جلو آوردن مطالباتی چون افزایش حقوقها به بالای خط فقر، درمان رایگان و تحصیل رایگان و اینکه داشتن مسکن حق پایه ای ماست راهنما شدید. بر تاکید بر حق شکل داشتن یک زندگی شایسته راهنما شدید. و بسیار سپاسگزارم. با پیام به کنگره حزب کمونیست کارگری مراتب قدردانی خود را اعلام میکنم.

رضا فولادی

--

۳۹

پیام مهران معدن کار

من کارگر معدن هستم و بیننده کانال جدید. قبلا عضو شورای اسلامی بودم. اما الان دیگر نیستم. فکر میکردم میشود از آن پوشش فرصتی برای جمع کردن کارگران و پیگیری خواستههایمان بدست بیایم. ولی دیدم اینها فاسدند و سموم حکومتی در جنبش کارگری هستند. البته مخفی نماند که از حرفهای شما بسیار الهام گرفتم و الان مرید اداره شورایی نیشکر هفت تپه هستم و جواب را در مجمع عمومی خود کارگران یافتم. از همین جهت در مبارزات این دوره با اعتباری که داشتم مرتبا مجمع برگزار کردم و نتایج خوبی هم گرفتیم. الان کارگران بیشتر خودشان را پیدا کرده اند.

من باورهای اسلامی دارم. خانم دانشفر پادکاست هایی برابم فرستم در مورد کمونیسم و مذهب و موضوعات مختلف. انقدر معتاد این پادکاست ها شدم که در ساعت کارم همراه با کار کردن آنها را گوش میکردم و دیگر زشتی معدن از ذهنم دور شده بود. بحث های جالبی بود. خشم و عقده های من را از سرمایه داری و ستمهای بازگو میکرد. اما این مذهب لعنتی انقدر در ما نهادینه شده که با وجود قبول صحبت های آقای نیکخواه هنوز نمیتوانم از خداوند عالی طلاق بگیرم. و خلاصه موانع این چنین زیاد هست تا عضو حزب شوم. ولی باور کنید در عمل من از صد تا عضو دیگر همه تن حریف ترم. به من گفته شد کنگره حزب است و این حزبیست که کانال جدید صدای آنست. من هم با خرسندی گفتم پیامی بدهم و از همه شما سپاسگزارم.

یا علی

مهران معدن کار

--

۴۰

پیام حسن کارگر شهرداری

من حسن کارگری شهرداری

هستم. من از همکاران واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری هستم و افتخارم میکنم. کارم جمع کردن زباله های شهر است. کار من از واجبات جامعه است وقتی دو روز اعتصاب میکنیم چهره شهر فوراً آنرا نشان میدهد. ولی سرمایه داری برای اینکه از ما کار بکشد و تامین نباشیم این کار را همیشه پست قلمداد کرده. اگر چه خیلی از کارگران شهرداری هستند که دانشگاه رفته اند. حتی دوستانی دارم که کارشناسی ارشد را خوانده اند.

کار ما سخت و زیان آور است. در معرض هر نوع آلودگی قرار داریم. خصوصا در این ایام بحرانی بیماری کشنده کرونا. بدون تجهیزات توی خیابانها می گردیم و حواسمان به پاک نگاهداشتن شهر است. ولی قراردادهایمان موقت است. ۱۵ سال هم کار کنی باز با پیمانکار طرف حساب هستی. مزدت شش برابر زیر خط فقر است و با بالا رفتن قیمت ها ارزش آن کمتر و کمتر میشود. همیشه زیر فشار هستیم که مبدا بچه ات تقاضایی کند و نتوانی جواب بدهی. برادر خانم برای بچه ام

تلفن هوشمند گرفت که بتواند درس بخواند.

چند ماه چند ماه مزد نمیدهند؟ اما انقدر محرومیت کشیده ایم که دیگر حتی اگر حقوقمان را هم بموقع بدهند قبول نداریم. فقط و فقط باید اینها گور به گور شوند تا ما آسایش داشته باشیم. البته اعتراض هم زیاد کرده ایم. ما دائم در خیابان هستیم یا مشغول جمع کردن زباله و یا مشغول تجمع و اعتراض و حق خواهی. همکاران من هم در شهرهای مختلف همین وضع را دارند. با اعتراضاتمان نگاه مردم هم به ما عوض شده و شاید برای همین است که الان به ما میگویند پاکبانان!

آب را روی ما قطع کردند. شهر به شهر آمدیم بیرون و داد کشیدیم. گفتند اغتشاش شده است. درست میگویند ما اغتشاشگریم. ما طغیانگریم. ما یاغی هستیم. ما کارگریم. و به کمتر از رفتن شما رضایت نمیدهیم. ما انسانیم و میخواهیم مثل انسان زندگی کنیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری

زنده باد کنگره.

--

۴۱

پیام همایون قهرمانی

در رابطه با بردگی کار و ساعات کار طولانی کارگران، ایمنی محیط کار و بهداشت کار و کرونا و کشتار جمعی آن همایون در مورد بردگی کار و ساعات کار بی نهایت در محیط های کار مینویسد: "بردگی کار در محیط های کار به جایی رسیده است که حتی همان حد و مرزی هم که قانون کار ضد کارگری حکومت در نظر داشته را زیر پا گذاشته اند. در شرکت ها، در شش ماهه اول سال ۲۰۰ ساعت کار و در شش ماهه دوم سال ۱۹۲ ساعت از کارگران کار می کشند. یعنی در هر ماه ۱۶ ساعت کار اضافی و بدون مزد. این استثمار بی حد و مرز کارگر است. حزب، باید نسبت به این احجاف و بهره کشی آشکار و قانونی کارگران در کنگره و در برنامه های تلویزیونی خود اعتراض کند و توجه نهادهای بین المللی را به این نقض آشکار حقوق کارگر جلب نماید تا کارزاری بین



المللی را برای حل این مشکل راه بیندازند.

همایون قهرمانی در مورد نقض ایمنی و بهداشت محیط های کار مینویسد: محیط های کار کشتارگاه کارگران است.

بهداشت و ایمنی در محیط های کار فاصله زیادی با استاندارد های جهانی و منطقه ای دارد که بسیار اسفبار است. در هر ماه تعدادی از کارگران در اثر نداشتن ایمنی در محیط کار جانشان را از دست می دهند و کارفرمایان

به دلیل سودجویی های سیری ناپذیر خود و در پناه حکومت وحشی سرمایه داری و باز بودن دستشان برای هر نوع چپاولی و استثمار بی نهایت هیچگونه شرایط و امکاناتی را برای کارگران مهیا نمی کنند. این امروز مساله جان و سلامت و معیشت میلیون ها خانواده ها کارگر است. یک نمونه ی بارز آن مرگ فجیع مرضیه طاهریان

در کارخانه ی نساجی است که در کنار عدم ایمنی محیط کار، حجاب اسلامی در محیط کار او را قربانی خود کرد. حجابی که از آن خون می چکد. با اعلام تاسف فراوان از درگذشت این زن کارگر و تسلیت به او و به همه مردم از کنگره می خواهیم که بر پایان دادن به جنایت در محیط های کار و اینهمه ناامنی و به بازی گرفتن جان و زندگی کارگران تاکید بگذارد. ایمنی محیط کار حق مسلم و حق حیات کارگران است.

همایون قهرمانی همچنین در مورد ابعاد فاجعه بار کرونا مینویسد: "کرونا در ایران کشتار جمعی میکند. فتوای این جنایت و قتل را خامنه ای داد و سران حکومت اجرائش کردند. کرونا در ایران در عین حال بیش از پیش کارگران و خانواده شان را به نابودی کشانده است. از جمله علاوه بر مرگ بخاطر ابتلاء، گرسنگی هم دارد قربانی

میگیرد. بسیاری از کارگران از کار بیکار شده اند. مرگ و میر در محیط های کار بیداد میکند. هزینه ی دارو و درمان نیز وحشتناک است. چون خبری از درمان رایگان نیست. پروتکل های سازمان بهداشت جهانی را بکار نمیگیرند. کارگر بخاطر گرسنگی ناگزیر از کار است و وقتی مبتلا شد دولت و کارفرما هیچ مسئولیتی بر عهده نمیگیرند.

از کنگره حزب می خواهیم که به این موضع توجه ویژه کند. خامنه ای و تک تک سران حکومت مسئول مستقیم این کشتار جمعی هستند. سرمایه داری در ایران هر روزه جنایت میکند. کنگره بار دیگر بر حقوق پایه برای همه مردم تاکید کند. در پایان از کنگره محترم تقاضا دارم این کنگره را با یاد رفیق از دست رفته مان فراز آزادی آغاز نماید.

همایون قهرمانی

--

۴۲

پیام به کنگره

سلام دوستان

جامعه ایران آستن تغییر و تحولات بزرگی است. رهبر این تغییر بزرگ حزب کمونیست کارگری است. شماها باید به خود ببالید که کنگره حزبی را بر گزار می کنید که طبقه کارگر و جامعه ایران را نمایندگی می کند.

ما عده ای از کارگران رشته های مختلف ساختمانی و کارگران بیکار محلات سقز دورهم نشسته ایم و بسیار خوشحالیم که متعلق به حزبی هستیم که دست به ریشه میرد و نمایندگی تمام آزادیخواهی و تمام برابری طلبی در ایران است. این را بدانید که جامعه ایران نیازمند همچون حزبی است و البته می دانیم که شماها خوب می دانید که چه کار

بزرگی را انجام می دهید و ما به آن افتخار می کنیم.

ما باید قدرت سیاسی را بگیریم و برای بدست آوردن آن باید بجنگیم. ما کار سختی پیش رو داریم. کنگره اتاق فرماندهی این جنگ است. فرماندهان تصمیم می گیرند و برنامه می ریزند که چگونه بجنگند و جامعه را رهبری کنند. پیش به سوی پیروزی!

طبقه کارگر باید پیروز این جنگ باشد تا جامعه را رهبری کند. اگر طبقه کارگر بخواهد پیروز شود باید جامعه را با خود همراه کند. زیرا اساس سوسیالیسم انسان است. ما همراه کنگره حزب هستیم. پیروز باشید!

زنده باد انقلاب انسانی!

زنده باد جامعه انسانی!

جمعی از کارگران لوله کش ساختمانی

جمعی از کارگران برقکار ساختمانی

جمعی از کارگران نقاش ساختمانی

جمعی از کارگران بیکار محلات تپه شافعی کریم آباد و تپه مالان و بردبران سقز

--

۴۳

مفتخرم که کنار شما عزیزان هستم

فرا رسیدن دوازدهمین کنگره ی حزب را به تمامی اعضای حزب کمونیست کارگری بویژه حمید جان تبریک گفته و از سوی خانواده ی کوچکم بهترین دستاوردها را برایتان آرزومند. من زنی هستم که با وجود

مشکلات بسیار بسیار زیاد شاد و سرحال و امیدوارم. وقتی که علت را می پرسند در سکوت لیخند میزنم و در دل با خود میگویم بخاطر اینکه عضو حزبی پیشرو، تلاشگر اجتماعی و شاد هستم. احساس تنهایی و ناامیدی نمیکنم، چرا که هزاران ستاره، روشنگر راه تاریکم هستند. مفتخرم که کنار شما عزیزان هستم. پیوستن به حزب پر افتخار، با سابقه ی درخشان و تحلیل های بجا، چپ نوین، حزب کمونیست کارگری را به همگان پیشنهاد میکنم.

نازی امیدوار و خانواده ی

کوچکم

--

۴۴

ما کارگر فولادیم، علیه ظم و بیدادیم!

پیام به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری

من کارگر فولادم. همانطور که خود بارها گفته اید فولاد یک کانون داغ اعتراض بوده است. چندین سال است که در اعتراض و مبارزه هستیم. با شعار "کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است" در سال ۹۷ به خیابان آمدیم و در کنار همکارانمان در هفت تپه علیه چپاول و دزدی ایستادیم و با آنها همگام شدیم.

مجمع عمومی هفتگی خود را به پا کردیم و اعلام کردیم شورای کارگری جواب است. در برابر نیروهای سرکوب جنگیدیم

و همکاران بازداشتی خود را آزاد کردیم. از حداقل دستاوردهای مبارزه ما اینست که حقوقمان به روز شد و همچنین نگذاشتیم شرکت را به تعطیلی بکشانند.

ما حامی هفت تپه بودیم. از اعتراضات نفت حمایت و پشتیبانی کردیم. به کارزار افزایش دستمزد به بالای خط فقر (۱۲ میلیون) پیوستیم. مدیران فاسد را از کارخانه بیرون کردیم. با ایجاد شورای اسلامی قصد داشتند ما را به عقب برانند، اما ما آنها را عقب راندیم و دم و دستگاهشان را جمع کردیم. در طی این سالها هر گاه بویی از توطئه و تعرض به مشاممان رسید، فوراً مقابله کرده و توطئه ها را خنثی کردیم.

بهر "کارگر بیدار است، از استثمار بیزار است" مشخصه ماست. در زیر این بنر عکس ها گرفتیم و فریادها زدیم. در طول تمام اعتراضاتمان حزب کمونیست کارگری و کانال جدید را همراه خود دیدیم. پس کنگره حزب را تبریک میگوئیم. راهتان پرادوم و پابرجا. ما هم با شما هستیم.

--

۴۵

پیام از طرف ۲۰ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه

به کنگره حزب کمونیست کارگری
رفقای عزیز دروهای گرم ما را بپذیرید. ما جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه برگزاری این

چند پیام از داخل ایران به کنگره حزب

--
۴۶

حزب بیوندید.

زنده باد حزب کمونیست

کارگری ایران

--

۴۷

پیام به کنگره ۱۲ حزب

کمونیست کارگری ایران

با سلام،

با مطالعه و فهم اینکه حزب

کمونیست کارگری ایران در طی

سالهای مدید تحلیل و مبارزه در

راه آزادی انسانها بهترین و حتی

امروز تنها راه منطقی بر آوردن

آرزوهای مردم ستمدیده ما یعنی

رفاه، برابری و آزادی ایرانیان

میباشد،

با خوشوقتی و تشکر از

دعوت شما اعلام میدارم که با

شور فراوان بحثهای

دوازدهمین نشست سیاسی

حزب را دنبال و تشویق مینمایم.

پیروزیتان را در رسیدن به

آرمانهای انسانی و انقلابی همه

مردم رنج کشیده ایران، با رهبری

این مبارزات و واژگونی رژیم

مذهبی سرمایه داری حاکم بر

امروز جامعه تحت ستم و سرکوب ایران بیش از هر زمان دیگری متحد و شجاعانه گام به گام حکومت جنایتکار اسلامی را به عقب می راند و حزب کمونیست کارگری بیش از هر زمان دیگری نقش اساسی و مهمی در پیشبرد مبارزات مردم در ایران و خارج از ایران ایفا می کند.

به همه مبارزان خستگی ناپذیر حزب کمونیست کارگری ایران در داخل و خارج از ایران درود می فرستم و از صمیم قلب امید دارم که حکومت ورشکسته اسلامی نفس های آخر را می کشد و بزودی کنگره و دیگر برنامه جمعی حزب کمونیست کارگری در ایران برگزار خواهد شد.

زنده باد آزادی

زنده باد برابری

پیام کاوه طهماسبی از ایران به کنگره ۱۲ حزب کمونیست کارگری ایران

با سلام

برگزاری کنگره دوازدهم

حزب کمونیست کارگری ایران

رو به رهبری، کادرها، اعضا و

همه مردمی که دل در گرو

آزادی، برابری و رفاه عمومی

دارند تبریک میگویم و بعنوان

یک جوان آتئیست و معترض به

هرگونه تبعیض عقیدتی و جنسی

و عاصی از وجود حکومت

مذهبی و عقب مانده اسلامی،

به همه آتئیست ها و سرکوب

شدگان عقیدتی و جنسی می

گویم حزب کمونیست کارگری

در قالب اهداف و برنامه های

مشخص و معین تنها حزب

واقعی خواهان آزادی بی قید و

شرط بیان و عقیده در جامعه

ایران حزب شماست. به این

کنگره را صمیمانه تبریک میگویم. کنگره شما در شرایطی برگزار میشود که جنبش کارگری موقعیت بسیار برجسته ای یافته و جنبش های اعتراضی و حق طلبانه با سرعت در حال گسترش و پیشروی است. پیشرویهای جنبش کارگری و فضای چپ حاکم بر جنبشهای جاری و همبستگی عمیق تری که در میان بخش های مختلف کارگری ایجاد شده است، به یک قطب کمونیسم اجتماعی و کارگری که توجه و اعتماد جامعه را کسب کند و به یک آلترناتیو سیاسی در جامعه تبدیل شود، نیاز دارد. از نظر ما حزب کمونیست کارگری پاسخ به این نیاز است. باید وسیعا در آن متشکل شد. امیدواریم کنگره قدمی در جهت تقویت این آلترناتیو باشد و مباحث آن راهگشای پیروزی. برای کنگره آرزوی موفقیت میکنیم.

ایران که تازه ادامه مبارزات را به گونه ای دیگر، در فردای پیروزی برای به ثمر رسیدن آرمانهای بشری دربرخواهد داشت، از صمیم قلب آرزو مندم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

پیروز باد سوسیالیسم انسانی!

--

۴۸

پیام مصطفی صباح به

کنگره ۱۲ حزب کمونیست

کارگری ایران

با سلام،

من یک بازنشسته معلول

هستم و درود میفرستم به شما

حاضرین در کنگره و اعلام

میکنم با تمام وجودم تا آنجا که

کاری از من ساخته است برای

سرنگونی این رژیم جنایتکار

دریغ نمیکنم.

باسپاس و آرزوی موفقیت



سوسیالیسم

تنها راه نجات بشریت

از سرمایه داری بیمار و نکبت زده!



سرنگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!

اطلاعیه خبری:

ششمین روز اعتصاب در معدن ۵ هزار نفری سونگون

روز ۱۴ آذر کارگران معدن سونگون که ۵ هزار کارگر را در بر میگیرد ششمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. بر اساس گزارشات در شب گذشته بیشتر کارگران در خوابگاهها مانده بودند و در حال حاضر در داخل مجتمع در حال تجمع و راهپیمایی و اعتراض هستند اما آن بخش از کارگرانی که در شب قبل به منزل رفته بودند امروز صبح با سد نیروهای انتظامی مواجه شدند که مانع ورود آنها میشدند. بدنبال حرکت اعتراضی قدرتمند روز گذشته کارگران معدن مس سونگون ورزقان نیروی انتظامی و یگان ویژه در مقابل در ورودی این مجتمع بزرگ کارگری مستقر شدند و مانع از ورود کارگران اعتصابی به محوطه معدن

میشدند. معدن مس سونگون بزرگترین معدن روباز مس در خاورمیانه است و چهل درصد مس ایران را تامین میکند. این معدن در ۱۳۰ کیلومتری تبریز واقع است.

روز گذشته کارگران این معدن برای پیگیری خواستههایشان دست به راهپیمایی ۴ ساعته ای در مسیرهای اطراف معدن زدند و در راه بازگشت یک جرثقیل ۱۰۰ تیرا آهن با سرعت بالا و بدون احتیاط در سرازیری به سمت صف چند هزار نفره کارگران معترض حرکت کرد. اما کارگران با واکنش سریع توانستند خود را به کناری بکشند و کامیون بدون هیچ تلفاتی از داخل ازدحام رد شد. کارگران حرکت این تریلی به سمت خود را اقدامی در جهت ایجاد اختلال در اعتصاب خود و عمدی دانسته و کارفرما را متهم به این جنایت آشکار میکنند. اما کارفرمایان هنوز واکنشی به این اتهام نشان نداده اند.

اعتراض این کارگران به سطح نازل حقوقها است و با

شعار حقوق ما ریالی است هزینه ها دلاری است صدای اعتراض خود را به حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعلام داشتند. بعلاوه بیش از ۶۰ درصد این کارگران بصورت قراردادهای پیمانی به کار اشتغال دارند و خواست اصلی آنها کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قرار دادها است و همین امروز بر تبعیض در پرداخت دستمزد ها میان کارگران رسمی و پیمانی در برابر کار برابر اعتراض دارند و خواستار همسان سازی فوری سطح دستمزدها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. در این حرکت اعتراضی کارگران شعار میدادند: "همسان سازی حق ماست، حق مسلم ماست".

طی چند روز اعتصاب متحد و قدرتمند کارگران معدن سونگون ورزقان مقامات مسئول با قطع اینترنت، قطع آب و قطع سرویس تردد کارگران و تعطیل کردن آشپزخانه کوشیدند کارگران اعتصابی را زیر فشار قرار دهند و مجبور به عقب نشینی کنند. اما کارگران با وسیله

های شخصی و همیاری جمعی خود را به مجتمع رسانده و تجمع کردند و فریاد اعتراضشان را بلند کردند. در این تجمعات کارگران از خواستههایشان سخن گفتند و با کف زدن بر ادامه اعتراضات خود تا رسیدن به خواستههایشان تاکید کردند.

در حالیکه فیلم ها و تصاویر از حضور گسترده کارگران معدن سونگون در تجمعات چند روزه آنان حکایت میکند، جهانگیر رضوی مدیر این مجتمع در هراس از انعکاس وسیع خبری این اعتصاب قدرتمند در منطقه زبونانه تلاش میکند که ابعاد اعتراض را محدود جلوه دهد و میگوید: "تعداد اندکی از پرسنل دو شرکت پیمانکاری از مجموعه ۶۰ شرکت تجمع کرده بودند و مطالبات خارج از قرارداد داشتند... با رایزنی های صورت گرفته به دنبال حل مشکل هستیم". این نوع اظهارات قطعا بر خشم و انزجار کارگران اعتصابی دامن خواهد زد.

حزب کمونیست کارگری
توطئه گری های کافرهایان و

مقامات مسئول در قبال کارگران معدن مس سونگون را قاطعانه محکوم کرده و حمایت خود را از مبارزات و خواستههای این کارگران اعلام میکند. باید دست پیمانکاران از این معدن و از تمامی مراکز کارگری قطع شود. حقوق بالای خط فقر ۱۲ میلیونی خواست اعلام شده همه کارگران، معلمان و بخش های مختلف جامعه است و باید دستمزد کارگران معدن سونگون نیز در اولین قدم به بالای این رقم افزایش یابد. حزب کارگران معدن مس سونگون را بر به کارگیری تجربه نیشکر هفت تپه و بر تصمیم گیری شورایی با اتکاء به مجمع عمومی ۵ هزار نفره خود و برگزیدن نمایندگان منتخب خود فرا میخواند. حزب همچنین بر اتحاد همه بخشهای کارگری و همچنین دخالت فعال خانواده های کارگران و حمایت مردم منطقه که بخش بزرگی از کارگران این معدن نان آوران آنها هستند، تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آذر ۱۴۰۰، ۵ دسامبر ۲۰۲۱



اصفهان منتقل گردیدند. ستاررضایی یکی از کسانی است که جرم او شرکت در اعتراضات مردمی در خوزستان است. ستار رضایی و تمامی بازداشت شدگان در اصفهان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com



مردم در اصفهان به خشک شدن زاینده رود و تبعات فاجعه بار زیستی و معیشتی آنست. در حرکت اعتراضی روز پنجم آذرماه اعتراضات مردمی در اصفهان که پاسخ محکمی به سرکوبگری های حکومت و برای پیگیری خواستههایشان بود، بیش از ۲۰۰ نفر دستگیر شدند. شماری از این بازداشت شدگان در همان شب با گرفتن تعهد آزاد شدند. اما حدود ۱۵۰ نفر آنها به محل های دیگری از جمله زندان اصفهان، زندان خمینی شهر و "ندامتگاه" زنان

ستار رضایی فعال کارگری آزاد باید گردد

بنا به گزارشات ستار رضایی، فعال کارگری ساکن نجفآباد اصفهان، از شرکت کنندگان حاضر در جریان اعتراض های اخیر اصفهان در شامگاه دهم آذر ماه با حمله ماموران امنیتی به منزل پدرش، بازداشت شده و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. اعتراضات کشاورزان و

در تکثیر، پخش و اشاعه ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران بکوشید!

اطلاعیه خبری

۱۱ آذر: تجمعات و تظاهرات گسترده معلمان در بیش از ۶۰ شهر معلم زندانی آزاد باید گردد



معلمان امروز ۱۱ آذر در بیش از ۶۰ شهر تجمع و تظاهرات کردند و یک روز فراموش نشدنی اعتراض اجتماعی را در تاریخ مبارزات خود ثبت کردند. ساعت ده صبح روز پنجشنبه، ۱۱ آذر به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان در سراسر کشور در بیش از ۶۰ شهر دست به تجمع سراسری زده و پیگیر خواستههایشان شدند. تجمعات معلمان در این روز در تهران و استان البرز مقابل مجلس اسلامی و در مراکز استانها و شهرستانها مقابل ادارات آموزش و پرورش بر پا شد. در این تجمعات جمعیت بسیاری شرکت داشتند و بنا بر گزارشات که تاکنون بدستمان رسیده است این تجمعات از جمله در این شهرها با شرکت وسیع معلمان برگزار شده است: تهران، یزد، رشت، شیراز، سنندج، اهواز، خرمآباد، بجنورد، سقز، جایزان (استان خوزستان)، شاهرود، نورآباد ممسنی، رشت، گتوند، قزوین، پلدختر، اردبیل، زاهدان، کرمان، اندیمشک، شیروان، قم، شیراز، الیگودرز، دیواندره، بوکان، ویسیان، شاهین دژ، دهدشت، شهرکرد، نورآباد لرستان، کازرون، شیراز، دورود، میاندوآب، مریوان، مشهد، خرمبید، آمل، بوشهر، باغملک، ساری، اراک، بروجرد، سمیرم، خمینی شهر، سعدآباد، اصفهان، کرمانشاه، دلفان، همدان، گرگان، استهبان، زنجان، جلفا، بیجار، ارومیه، تربت حیدریه و قزوین...

در مشهد معلمان معترض در مقابل اداره کل تجمع کردند اما حضور پر رنگ نیروهای امنیتی و انتظامی و حراستی مانع ادامه اعتراضات و تظاهرات شد. نیروهای امنیتی با فشار آوردن به تجمع کنندگان آنها را متفرق کردند. به گفته معلمان این برخورد با دستور و هماهنگی مسئول حراست اداره کل آموزش و پرورش روی داده است. در این روز معلمان با نبرهایی که در دست داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. آزادی معلمان زندانی یک خواسته برجسته تظاهرات معلمان بود. تاکید بر اجرای رتبه بندی و هسان سازی حقوق ها و آموزش رایگان برای همه از جمله بنر هایی بود که توجه ها را بخود جلب میکرد. در رشت شعار معلم زندانی آزاد باید گردد در فضای مقابل آموزش و پرورش طنین انداخته بود. در شیراز معلمان با خواندن ترانه همراه شو عزیز و با کف زدن بر اتحاد و همبستگی تاکید داشتند. در مریوان معلمان خواندن سرود به زبان کردی اتحاد مبارزاتی خود را گرامی داشتند. اجرای طرح رتبه بندی به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی برای معلمان شاغل و همسان سازی حقوق برای معلمان بازنشسته دو خواسته فوری معلمان شاغل و بازنشسته است. آموزش رایگان و اجرایی کردن فوری آن در این ایام کرونایی با اختصاص اینترنت و تلفن هوشمند رایگان در اختیار همه دانش آموزان و معلمان و نیز

آموزش باکیفیت برای جوانان و رفع تبعیض در آموزش، درمان رایگان و داشتن حق مسکن، بستن پرونده های امنیتی فعالین صنفی و آزادی فوری و بدون قید و شرط معلمان زندانی، رفع مشکلات معلمان خرید خدمت، آموزشیاران نهضت سواد آموزی، مربیان پیش دبستانی و معلمان حق تدریسی و استخدام آنها، پرداخت پاداش خدمت بازنشستگان، پرداخت حق التدریس معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی، پایان دادن به اختلاس ها و شفافیت در چگونگی غارت صندوق ذخیره فرهنگیان و بازگشت منابع به آن از دیگر خواستههایی است که معلمان در قطعنامه ها و بیانیه های تاکنونی خود بر آنها تاکید کرده اند. معلمان همچنین در اعتراضاتشان بر افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون تاکید دارند

شعرهای معلمان در این روز عبارت بودند از: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اجرای رتبه بندی بدون قید و بندی"، "وعده های تو خالی، هشتاد درصد پوشالی"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"

گفتنی است که در رابطه با همین مطالبات در روز نهم آذر ماه نیز جمع کثیری از معلمان شاغل و بازنشسته در استان های مختلف از جمله قم، خوزستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، قزوین و دیگر شهرها به طور خودجوش کلاس های درس را تعطیل کرده و دست به تجمع زدند.

بنسایت تجمع روز ۱۱ آذر

معلمان قطعنامه ای داده اند. در این قطعنامه به مشکلات و معضلات معیشتی بخش های مختلف جامعه اشاره کرده و مینویسند: "امروز کشور ما به خاطر مدیریت ناکارآمد و غیرپاسخگو در شرایطی گرفتار آمده که تحت تاثیر بحران های مختلف طبیعی، زیست محیطی، روحی و روانی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی، بهداشتی عرصه ی زندگی هر روز بر مردم تنگ تر می شود. برکسی پوشیده نیست، که پیامد ابر بحرانهای موجود را توده ی مردمی بر دوش می کشند، که دستشان از منابع قدرت و ثروت کوتاه است!! بی گمان ابر بحران های یاد شده نتیجه ی عملکرد حاکمیتی است که جان و مال و زندگی مردم و نسلهای آینده را ابزار آزمون و خطای سیاست بازیهای خود قرار داده است.

بحران آب و تخریب محیط زیست و تحمیل فقر و فلاکت بر اقشار گوناگون و سرکوب مطالبات مردم ' نمونه ای از عملکرد مدیریت چپاولگرانه ایست که امروز دامن کشور را گرفته است.

نیک می دانیم، که قربانی این شرایط دهشتناک، همه ی اقشار مردم از جمله، کودکان، جوانان، زنان، کارگران، فرهنگیان، دانشجویان، هنرمندان، کشاورزان، نویسندگان و سایر اقشار مولد جامعه، حتی نسل های آینده است." و در ادامه در اعتراض به اینکه "بعد از ماهها تبلیغات دروغین در مورد بهبود معیشت

معلمان طرح رتبه بندی شاغلان (هشتاد درصد حقوق هیات علمی) و همسان سازی بازنشستگان (مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری) توسط دولت و مجلس سلاخی می شود. اولیتماتوم داده و می نویسند: "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از اعتراضات صنفی بدنه ی معلمان، به دولت و مجلس هشدار می دهد، تا زمانی که قانون مدیریت خدمات کشوری، بویژه نظام همسان سازی حقوق بازنشستگان و طرح رتبه بندی شاغلین همانطور که در مَر قانون آمده است' به اجرا در نیاید. در روزهای آینده همچنان اعتراضات را به اشکال گوناگون از جمله تحصن ' تجمع ' راهپیمایی ' تعطیلی کلاس ها و سایر اشکال قانونی اعتراض' در سراسر کشور تا رسیدن به خواسته های قانونی' در فراخوانهای پی در پی ادامه خواهیم داد. یادآوری می شود عواقب هرگونه پیشامد' برعهده ی کسانی خواهد بود' که فرهنگ و فرهنگیان را در طول دهه های گذشته به بازی گرفته اند."

تجمعات و تظاهرات امروز معلمان یک رویداد مهم در اوضاع سیاسی جامعه است و فضای حق طلبی و اتحاد اجتماعی و عزم مردم برای دفاع از زندگی انسانی در مقابل چپاولگران حاکم را بازتاب میدهد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ آذر ۱۴۰۰، ۲ دسامبر ۲۰۲۱



اطلاعیه خبری: اعتراض کارگران شهرداری خرمشهر، معدن سونگون، ایران خودرو، نیشکر هفت تپه

مدیران ضد کارگری با فشار کارگران از مجتمع مس سونگون بیرون رانده شدند:

- روز سه شنبه ۹ آذرماه کارگران شرکت های آهن آجین، زحل، نوآوران و مبین شاغل در مجتمع مس سونگون ورزقان در اعتراض به ورود چهار نفر از مدیران سابق منفور و ضدکارگری که توسط خود آنان از مجتمع اخراج شده بودند دست به تجمع زدند. این تجمع از ساعت ۱۳ تا ساعت ۱۵ در محوطه شرکت برپا شد. علیپور و نعمت پور از مدیران شرکت آهن آجین و صالحی و رحمانپور از مدیران شرکت مبین به دلیل تضییع حقوق مداوم کارگران از ماه گذشته توسط کارگران ورودشان به شرکت ممنوع شده بود.

کارگران پیمانی در این شرکت ها در معدن در اعتصاب ۳ روزه هفته گذشته، هم توانستند همکاران اخراجی خود را به سرکار برگردانند و هم اینکه وعده عدم ورود این مدیران را گرفته بودند که برخلاف وعده مسئولین، این مدیران در روز سوم آذرماه به شرکت ورود کردند. زیر فشار اعتراض کارگران پس از ۲ ساعت از تجمع اعتراضی آنان، مدیران اخراجی توسط کارگران

ناچار شدند که محل مجتمع را ترک کنند و کارگران نیز با موفقیت به تجمع خود پایان دادند.

عقب نشینی مدیریت ایران خودرو تبریز:

- روز هشتم آذرماه در پی تعویق پرداخت حقوق و سه روز اعتصاب کارگران ایران خودرو در تبریز خبرگزاری های حکومتی از تعطیلی این کارخانه خبر دادند. این خبر به لوله ای در میان کارگران و تاکید بر ادامه اعتراضات منجر شد و حسین فتحی مدیرعامل این شرکت در هراس از به خیابان آمدن ۵ هزار کارگر این کارخانه آنها و شرکت خانواده های آنها و بدنبال سه روز اعتصابی که در این شرکت برپا شده بود، فوراً در جمع خبرنگاران از عدم تعطیلی شرکت خبر داد و گفت: "در جلسه ای که ساعاتی قبل در فرمانداری اسکو برگزار شد مشخص شد که کارخانه تعطیل نبوده و بخش لجستیک و پشتیبانی و حمل و نقل فعالیت خود را ادامه می دهد اما بخشی از تولید که مستلزم آماده سازی مجدد بود موجب تعویق فعالیت کارگران شد و همین موضوع زمانبر شد. فعالیت

تولیدی این شرکت از فردا دوباره آغاز می شود". حسین فتحی همچنین در باره خواستهای کارگران در هفته های اخیر اعلام داشت: "مطالبات کارگران ایران خودرو تبریز منطبق با قوانین پرداخت می شود و هیچ گونه تأخیر در پرداخت حق و حقوق آنها نداشته ایم، اما کارگران خواستار پرداخت حق و حقوق مطابق با کارگران سایت ایران خودرو تهران هستند که منطقی نیست و پرداختی حقوقها در تهران با سایر شهرها با توجه به شرایط خاص خود است".

این گفته های ضد و نقیض از یکسو نشانگر عقب نشینی مدیریت در برابر ۵ هزار کارگر است و از سوی دیگر شانه بالا انداختن در مقابل مطالبه برحق کارگران و خواست افزایش سطح دستمزدهاست. در برابر کارگران ایران خودرو همچنان بر مطالبات خود تاکید دارند. این کارگران در روزهای ۱۵ آبان و سوم و چهارم آذر در اعتصاب بودند و این اعتصابات در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و سطح نازل حقوقها برپا شد. در عین حال یک مطالبه فوری آنها همسان سازی

حقوقها و افزایش سطح آن بود. در این اعتراضات کارگران ایران خودرو با شعار "مدیر بی لیاقت نمی خواهیم" صدای اعتراضشان را بلند کردند.

نیشکر هفت تپه:

- روز ۹ آذر اعتصاب و تجمع کارگران فصلی نیشکر هفت تپه با خواست تغییر وضعیت و قراردادی شدن استخدامهایشان برای یازدهمین روز در مقابل درب شرکت ادامه یافت. دانمی شدن قرارداد کارگران فصلی یکی از مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه بوده است. بعلاوه این کارگران پیگیر دیگر مطالباتشان از جمله بازگشت به کار اسماعیل بخشی، مخومه اعلام کردن پرونده فرزانه زیلابی و کیلشان، آزادی سپیده قلیان حامی کارگران نیشکر هفت تپه که با ۵ سال حکم در حبس است، پرداخت بموقع حقوقها و علنی شدن شفاف چگونگی انتقال این شرکت به هفت طرح هستند. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به مجمع عمومی ۵ هزار نفره خود و مجمع نمایندگانشان همچنان بر نظارت شورایی

تاکید داشته و اعلام کرده اند که اگر به وعده های داده شده عمل نشود دوباره دست به اعتصاب خواهند زد.

اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری خرمشهر:

- روز ۹ آذر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خود و اضافه کاری ها و حق بیمه خود مقابل ساختمان فرمانداری ویژه این شهر تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات این کارگران دو ماه از طلبهایشان پرداخت شده اما ۴ ماه دیگر آن باقی مانده است

شرکت چناره:

- روز سه شنبه نهم آذرماه کارگران شرکت تامین مواد معدنی شرکت چناره در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و مشکلات بازنشستگان این شرکت در شهرستان اندیمشک، برای سومین روز متوالی دست از کار کشیده و مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آذر ۱۴۰۰، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بازتاب چند خبر و موضوع اجتماعی در خوزستان

اعتراض کشاورزان در

رامشیر



سه شنبه نهم آذرماه، جمعی از کشاورزان روستاهای تابعه شهرستان رامشیر در اعتراض به قطعی آب و عدم رهاسازی آن برای کشت پاییزه تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها در این تجمع با در دست گرفتن نوشته‌هایی، خواهان رهاسازی جریان آب و اختصاص حق‌آبه پاییزی شدند. این کشاورزان که بخاطر محدودیت های آبی از کشت تابستانه بازداشته شده بودند، اکنون معیشت شان به طور جدی به خطر افتاده است و اکنون با توجه به زمان کم باقیمانده برای کشت پاییزه، خواستار تأمین حجم آب بیشتری از طریق سد مارون هستند. معضل بی آبی درد همه مردم است و در مرداد ماه بود که شاهد خیزش مردمی در خوزستان بودیم و حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی جواب تشنگی و بی آبی را با گلوله داد. معضل بی آبی در سایه جمهوری اسلامی تمام ایران را فرا گرفته. و این معضلی است که شهر اصفهان را به حرکت درآورد و کشاورزان و مردم در اعتراض به خشک شدن زاینده رود و از بین رفتن کشت و دام و خطر ریزش اماکن مسکونی بخاطر بی آبی و آلودگی آب و خاک و هوا تحصن کردند، تجمع کردند،

راهپیمایی کردند و صدای اعتراض خود را بلند کردند. جمهوری اسلامی با سرکوب و زدن گلوله های ساچمه ای به چشم معترضین سعی کرد، از گسترش دامنه این اعتراضات به استانهای دیگر جلوگیری کند.

بی آبی برابر است با قحطی، گرسنگی، بیکاری و فقر ده‌ها میلیون نفر. بی آبی به عنوان یک عارضه تخریب محیط زیستی یک فاجعه است. که باعث از بین رفتن شغل و کشت بسیاری از کشاورزان، دام دامداران و ضربه زدن به سلامت مردم شده است. در برابر این معضل اجتماعی سراسری باید سراسری ایستاد و قدم اول آن همین امروز اعلام همبستگی با مردم اصفهان است.

رها سازی زباله های بیمارستانی در محیط



زباله‌های عفونی بیمارستانی یکی از آلوده‌ترین پسماندها به شمار می‌رود که در صورت عدم مدیریت و رهاسازی در محیط، می‌تواند به شدت بهداشت و سلامت محیط زیست و شهروندان را تهدید کرده و موجب انتقال و شیوع بیماری‌های خطرناکی نظیر ایدز، هپاتیت و... شود.

در روزها و هفته‌های گذشته تصاویر و ویدئوهایی در شبکه های اجتماعی دست به دست می‌شود که حاکی از رهاسازی مقادیر زیادی پسماند بیمارستانی در چند شهر استان خوزستان است. این وضعیت باعث خشم و انزجار و نگرانی مردم در سطح این استان شده است.

در یکی از این ویدئوها حجم زیادی زباله عفونی از جمله سرنگ های آلوده را نشان می‌دهد که در دریاچه نمک شهر ماهشهر تخلیه شده اند. هشتم آذر ماه نیز انتشار کلیپی در فضای مجازی مبنی بر رهاسازی پسماند عفونی در یکی از محلات شهرستان اهواز نگرانی های جدی برای اهالی و ساکنین آن منطقه ایجاد کرد. در شهر ایذه هم شبکه بهداشت و درمان این شهر که خود می‌بایست وظیفه حفظ بهداشت و سلامت مردم را بر عهده داشته باشد، مخفیانه مقادیری زباله آلوده بیمارستانی را در زمین های منطقه سرقات رها کرده بود که متعاقب آن چند نفر از شهروندان بسته های زباله را از منطقه جمع آوری و به نشانه اعتراض آنها را در مقابل ساختمان بیمارستان ایذه رها کردند.

پیش از این بارها اهالی سرقات ایذه با تجمع های گوناگون نسبت به دفع غیر اصولی زباله ها در محل قنات های قدیمی ایذه دست به اعتراض زده اند ولی هیچگاه به این اعتراضات ترتیب اثر داده نشد. در روزهای گذشته تصاویر دیگری در شبکه های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد زباله های عفونی در شهر مسجدسلیمان رها شده است. این موضوع سبب اعتراض شهروندان مسجدسلیمانی شده است، آنطور که یکی از شهروندان توضیح داده است این زباله ها در نزدیکی کوچه پزشکان که مطب چندین پزشک در آن قرار دارد رها شده است. یکی از شهروندان می‌گوید: پسماندهای پزشکی در کوچه منتهی به کوچه پزشکان رهاسازی شده است که همه روزه به این شکل است. برای بی‌خطر سازی و دفن

استاندارد پسماندهای آلوده و عفونی شرایط ویژه و خاصی وجود دارد که مراکز درمانی و بیمارستان‌ها ملزم به رعایت دقیق آن هستند. این زباله‌ها باید پس از انتقال به بیمارستان معرفی، توسط دستگاه‌های امحاء، بی‌خطر سازی شده و سپس مانند زباله‌های عادی دفن شوند اما آنگونه که مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان اعتراف می‌کند، حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد از زباله‌های شهری و عفونی در خوزستان به صورت غیر بهداشتی دفع، سوزانده و یا در محیط رهاسازی می‌شود.

سالمات مراکز درمانی اعم از دولتی و خصوصی امور جمع آوری زباله و پسماند های بیمارستانی را به پیمانکاران سپرده اند و از آنجا که هیچگونه نظارتی بر این امور صورت نمی‌گیرد و اساسا موضوع سلامت مردم در اولویت هیچ بخشی از این حکومت نیست، پیمانکاران سودجو این زباله ها را در طبیعت و محیط زیست رها کرده و جان و سلامت مردم را به خطر می‌اندازند. این هم بخش دیگری از چپاولگری های حاکم و تخریب وحشیانه محیط زیست توسط سرمایه داری مافیایی حاکم است.

آبگرفتگی معابر و خیابان های شهرهای استان

معضل آبگرفتگی معابر و خانه ها یک معضل جدی مردم در خوزستان است و بارها مردم به این وضعیت اعتراض کرده اند. مردم بیشتر شهرهای استان، بیش از یک دهه است که با هر بارندگی باید خود را برای مواجهه با بحران آب گرفتگی، پس‌زدگی فاضلاب و ماندگاری چند روزه آب باران و فاضلاب در کوچه و خیابان و خانه‌ها آماده سازند. این معضل خصوصا در دو سال گذشته تشدید شده و شهروندان اکثر شهرهای استان را با دشواری های بسیاری روبرو ساخته است. در پی بارندگی های دو هفته گذشته بیش از ۲۰ نقطه در شهر دزفول دچار آبگرفتگی منازل مسکونی و گرفتار شدن خودروها در مسیرها و خیابان‌های این شهر شد. خیابان‌های کوی آزادگان، سعدی و ۸۶ هکتاری، پیام آوران و فتح المبین، ورودی زیباشهر و چند نقطه دیگر دچار آبگرفتگی شد و برای ساعت ها در اثر گرفتار شدن خودروها در آب، ترافیک سنگینی ایجاد شد. در شهر شوشتر نیز وضعیت به همین منوال بود.

خانوارها و منازل بسیاری در شهرک علم الهدی در اثر بارندگی ها دچار آسیب دیدگی و خسارت شده اند.

در اهواز هم حفاری های متعدد نیمه کاره و رها شده





اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری خرمشهر

روز ۹ آذر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد و دیگر بخش های مزدی خود و حق بیمه مقابل ساختمان فرمانداری ویژه این شهر تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات این کارگران دو ماه از طلبهایشان پرداخت شده اما ۴ ماه دیگر آن باقی مانده است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان
۱۳ آذر ۱۴۰۰، ۴ دسامبر ۲۰۲۱

اند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه جهت پیگیری مطالبات خود تجمع میکنند.

ادامه اعتراضات کارگران فصلی نیشکر هفت تپه

روز شنبه ۱۳ آذر کارگران فصلی نیشکر هفت تپه در چهاردهمین روز اعتراضاتشان با خواست داشتن امنیت شغلی و قراردادی شدن استخدام خود در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند. یک خواست مهم کارگران نیشکر هفت تپه دائمی شدن قراردادهای کارگران فصلی است.

روز یکشنبه ۷ آذرماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اهواز برای پیگیری مطالباتشان و در ادامه یکشنبه های اعتراض که بازنشستگان بطور سراسری اعلام کرده اند، در مقابل ساختمان این صندوق در اهواز تجمع کردند. بازنشستگان فولاد نیز در هر یکشنبه در شهر خود این کارگران را همراهی کرده و تجمع میکنند و در این هفته نیز مقابل صندوق بازنشستگی این شهر گرد آمدند. کارگران بازنشسته فولاد خواستار اجرای

همسان سازی حقوقها و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و درمان رایگان هستند. بازنشستگان در اعتراضاتشان بر همسان سازی فوری حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی و نیز پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید کرده

در جای دیگر و به جیب مفتخوران و غارتگران حکومت سرازیر شده و مردم همچنان باید انواع خسارات مالی و جانی را متحمل شوند. یک موضوع اعتراضات مردمی در خوزستان معضل آب گرفتگی و وارد شدن فاضلاب های آلوده به خیابانها و حتی به آب آشامیدنی است. در این رابطه کارگران آب و فاضلاب خوزستان بارها دست به اعتراض زده اند. در کنار این کارگران باید به این وضعیت نابسامان شهری و رعایت نشدن اولیه ترین استانداردهای زیستی دست به اعتراض بزنند. ادامه این وضعیت برابر با به خطر افتادن سلامتی مردم در این منطقه است و باید جلوی آنرا گرفت.

تجمع بازنشستگان فولاد و یکشنبه های اعتراض

بازتاب چند خبر و موضوع اجتماعی در خوزستان

صفحه ۲۱

شرکت های آب و فاضلاب، برق و مخابرات و پروژه های در حال احداث پل چهارشیر و پل میدان دانشگاه می تواند با کمترین بارندگی مردم را با مشکلات عدیده ای مواجه سازد. از امیدیه هم خبر می رسد که خانه های اهالی روستای دونه با اولین بارندگی دچار آب گرفتگی وسیع شده است.

هر ساله مقامات استانی و کشوری وعده اصلاح و بهبود وضعیت شبکه فاضلاب و دفع آبهای سطحی و رفع آبگرفتگی معابر را می دهند و برای این کار بودجه های کلان اختصاص داده می شود که البته این رقم ها



ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL جدید
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های

زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این جمعاعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!